

تأثیر بُعد معرفت‌شناختی نظریه‌ها و مکاتب امنیتی بر بعد عمل‌شناختی

نیما رضایی^۱

مجتبی شریعتی^۲

چکیده:

مفهوم «امنیت» یکی از دغدغه‌های اساسی بسیاری از فیلسوفان و پژوهش‌گران در طول تاریخ بوده است و قرن‌ها ذهن فلاسفه از جمله پژوهشگران معاصر نظیر بیگو، بوزان، والت، بالزاک، ویور و بوث را به خود مشغول نموده است. پاسخ به پرسش «امنیت چیست؟» صرفاً یک بحث انتزاعی دانشگاهی نیست که پژوهشگران دانشگاهی را دل‌مشغول خود نموده باشد. دست‌اندرکاران امنیتی به‌صورت روزمره به دنبال تأمین «امنیت» هستند. امنیتی که مؤلفه‌ها و مشخصه‌های آن توسط سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان برای آنان تعریف شده است و دست‌اندرکاران امنیتی هیچ‌گونه نقشی در تعریف آن ندارند. دغدغه اصلی این پژوهش بررسی رابطه میان بعد معرفت‌شناسی و بعد عمل (کردار) شناسی است تا بدین‌وسیله پژوهشگران و دست‌اندرکاران امنیتی با تأثیر بعد معرفت‌شناسی بر تعریف «امنیت» و بر کنش‌ها و کردارهای امنیتی مرتبط آشنا گردند. تأثیری که همواره برای دست‌اندرکاران امنیتی ناشناخته بوده است؛ بنابراین، این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش اصلی که «در (زیر) رشته یا رشته فرعی مطالعات امنیتی (SS)، چه رابطه‌ای میان بعد معرفت‌شناختی (Epistemological) با بعد عمل (کردار) شناختی (Praxeological) نظریه‌ها و مکاتب امنیتی وجود دارد؟»، این فرضیه را ارائه می‌دهد که «در مطالعات امنیتی (SS)، دو رویکرد معرفت‌شناسی پازیتیویستی (اثبات‌گرایانه) و انتقادی (شامل مکتب فرانکفورت و تفسیرگرایی) موجب ایجاد نظریه‌ها و مکاتب امنیتی مختلف شده است. هر نظریه و مکتب با توجه به نگرش معرفت‌شناختی خود، تعریفی خاص از «امنیت» ارائه می‌دهد که این تعریف خاص از «امنیت» تأثیری مستقیم بر کنش‌ها و کردارهای دست‌اندرکاران امنیتی دارد؛ بنابراین در مطالعات امنیتی (SS) بعد معرفت‌شناختی به‌صورت مستقیم و خطی با بعد عمل‌شناختی در ارتباط است». در این راستا، هشت تعریف مختلف از مفهوم «امنیت» و هشت کنش امنیتی مرتبط مورد بررسی قرار می‌گیرند و نهایتاً فرضیه مورد بررسی قرار می‌گیرد. به‌منظور بررسی فرضیه از روش مقایسه کیفی بهره گرفته می‌شود.

واژگان کلیدی: امنیت، مطالعات امنیتی، معرفت‌شناسی، عمل (کردار) شناسی، کنش (کردار) امنیتی،

۱. nima.r@khu.ac.ir
۲. m.shariati17@gmail.com

۱. استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی تهران (نویسنده مسئول)
۲. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج

جستار گشایی

آیا تعاریف مختلف ارائه‌شده از مفهوم «امنیت» صرفاً مفاهیمی انتزاعی هستند؟ آیا معرفت‌شناسی، تأثیری بر نحوه تعریف مفهوم «امنیت» و نحوه عمل دست‌اندرکاران امنیتی دارد؟ پاسخ به این سؤالات و پرسش‌هایی از این دست دغدغه تمامی پژوهشگران امنیتی است. دغدغه و هدف اصلی این پژوهش پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی از این دست است تا بتوان رابطه میان بعد معرفت‌شناسی و بعد عمل (کردار) شناسی را توضیح داد.

پیش از ورود به بحث، لازم است که به دو رویکرد اصلی در زیررشته یا رشته فرعی مطالعات امنیتی (SS) اشاره گردد و این نکته موردتوجه قرار گیرد که اگرچه در نظریه روابط بین‌الملل از رویکردهای سه‌گانه معرفت‌شناسی (اثبات‌گرایی، تفسیرگرایی و انتقادی) سخن رانده می‌شود، لکن در مطالعات امنیتی معمولاً از دو نحله «جریان اصلی» و «جریان انتقادی» نام برده می‌شود. جریان اصلی در روابط بین‌الملل و مطالعات امنیتی دارای سه وجه بارز است: ۱- رویکرد معرفت‌شناختی اثبات‌گرایانه (پازیتیویستی) و ۲- دولت‌محوری ۳- اتخاذ رویکردهای حل مشکل. جریان انتقادی در مطالعات امنیتی هم می‌تواند ناظر بر جریان منتقد جریان اصلی مطالعات امنیتی باشد و هم ناظر بر «مکتب ولز یا ابريستويث (رئالیسم رهایی‌بخش)» و این نکته‌ای است که توسط «فیرک» مورد تأیید قرار می‌گیرد. «کارن ام. فیرک» عنوان می‌دارد درحالی‌که اصطلاح «مطالعات امنیتی انتقادی» گاهی به یک مکتب فکری اشاره دارد که به سنت‌های پسامارکسیستی و به‌ویژه مکتب فرانکفورت نزدیک می‌شود، من از اصطلاح «مطالعات امنیتی انتقادی» در معنای گسترده‌تر آن استفاده می‌کنم تا شامل طیف وسیعی از رویکردهایی گردد که نقطه عزیمت و اشتراک آن‌ها انتقاد از مطالعات امنیتی سنتی است (Fierke, 2005: 51). «مری‌ام دان کاولتی» و «ویکتور مائور» در مقدمه کتاب «راهنمای مطالعات امنیتی راتلج» این دوگانگی در مطالعات امنیتی را مورد تأیید قرار داده و عنوان می‌دارند که «حوزه مطالعات امنیتی تقاطعی است که یک‌سوی آن اثبات‌گرایان/خردگرایان^۱ و سوی دیگر این تقاطع، رویکردهای پساثبات‌گرایانه یا انتقادی/تأمل‌گرا یا بازاندیش‌گرا^۲ قراردارند» (Dunn Cavelty & Mauer, 2010: 3). هر یک از این دو رویکرد که دارای نظریه‌ها و مکاتب مختلفی در درون خود هستند و در ادامه بدان پرداخته می‌شود، با توجه به تفاوت‌های معرفت‌شناختی خود تعاریف مختلف و متفاوتی از مفهوم «امنیت» ارائه داده‌اند؛ بنابراین، این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی است که «در زیررشته یا رشته فرعی مطالعات امنیتی (SS)، چه رابطه‌ای میان بعد معرفت‌شناختی (Epistemological) با بعد عمل (کردار) شناختی (Praxeological) نظریه‌ها و مکاتب امنیتی وجود دارد؟».

پیش از ورود به بحث لازم است به این پرسش احتمالی مهم که ممکن است بر ذهن متبادر گردد،

1. positivists/rationalists

2. post-positivist or critical/reflexive approaches

اشاره شود که آیا فرضیه از جنس فرضیه‌های بدیهی نیست؟ این که تعریف امنیت بر کردار امنیتی تأثیر می‌گذارد، آیا آن‌قدر بدیهی نیست که نیاز به اثبات نداشته باشد؟! پاسخ منفی است. نخست (نظریه‌های اثبات‌گرای مطالعات امنیتی (و روابط بین‌الملل) نظیر رئالیسم تدافعی و تهاجمی از آن‌جا که بر مفهوم «عینیت (بی‌طرفی)»^۱ تأکید دارند، منکر تأثیر بعد معرفت‌شناسی بر بعد عمل (کردار) شناسی هستند و معتقد هستند که همه کنشگران امنیتی در هرکجای جهان باید به یک‌شکل عمل نمایند و نگران بقا یا قدرت خود باشند (ادعایی که توسط این پژوهش به چالش کشیده می‌شود)؛ دوم) موضوع پژوهش حاضر، بررسی رابطه میان معرفت‌شناسی (Epistemology) با عمل (کردار) شناسی (Praxeology) مکاتب و نظریه‌های امنیتی است، نه بررسی تأثیر تعریف امنیت بر کردار امنیتی. موضوع و گستره بحث کاملاً متفاوت است. سوم) در ادبیات جریان انتقادی در جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل مباحث فراتر از جمله هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و زیبایی‌شناسی نظریه‌های مختلف مورد بحث و بررسی پژوهشگران قرار می‌گیرد. از آن‌جا که ابعاد هستی‌شناسی (مادی-معنایی)، معرفت‌شناسی (پازیتیویستی-انتقادی شامل تفسیرگرایی و مکتب فرانکفورت)، روش‌شناسی (کمی-کیفی-تلفیقی) و زیبایی‌شناسی نظریه‌های مختلف باهم تفاوت دارد، بررسی رابطه میان معرفت‌شناسی با عمل (کردار) شناسی مکاتب و نظریه‌های امنیتی و ارائه فرضیه، مطلقاً (و تأکید می‌شود مطلقاً) از جنس فرضیه‌های بدیهی نیست و نخواهد بود. چهارم) به دلیل محدودیت‌های حجمی مقالات علمی-پژوهشی امکان بررسی ابعاد هستی‌شناسی، روش‌شناسی و زیبایی‌شناسی نظریه‌های مختلف امنیتی میسر نگردید. تنها به ذکر این نکته اکتفا می‌گردد که ممکن است دو نظریه امنیتی با معرفت‌شناسی یکسان، تعاریف کاملاً متفاوتی از مفهوم «امنیت» ارائه دهند، زیرا ابعاد هستی‌شناسی، روش‌شناسی و زیبایی‌شناسی آن‌ها با یکدیگر متفاوت است. پنجم) اگرچه پاره‌ای از پژوهشگران در آثار خود به تأثیر بعد «معرفت‌شناسی» بر «امنیت» اشاره نموده‌اند، لکن در این پژوهش به بحث تأثیر بعد «معرفت‌شناسی» بر بعد «عمل (کردار) شناسی» نظریه‌ها و مکاتب امنیتی پرداخته شده که از اساس با آثار آن پژوهشگران متفاوت است. به‌عنوان نمونه، «بوزان و هانسن» در کتاب خود با عنوان «تحول مطالعات امنیت بین‌الملل» در خصوص ارتباط مفهوم «امنیت» با «معرفت‌شناسی» عنوان می‌دارند در طول جنگ سرد مطالعات امنیت بین‌الملل (ISS) چندان دل‌مشغول مباحث معرفت‌شناسی نبود، اگرچه تقسیم‌بندی‌هایی ناشی از سرریز مناظره‌های میان «سنت‌گرایان» و «رفتارگرایان» حول نظریه روابط بین‌الملل^۲ (IR) به حوزه امنیت بین‌الملل وجود داشت. بااین حال، به‌موازات مناظره‌های گسترده‌تر در مورد معرفت‌شناسی در علوم اجتماعی که در ابتدا به روابط بین‌الملل و از آن‌جا به مطالعات امنیت بین‌الملل راه یافت، این حالت در اواخر دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ تا حدودی تغییر

1. Objectivity

2. 'traditionalist' vs. 'behaviouralist' debates about IR theory

کرد (Buzan & Hansen, 2009: 32). «پل دی. ویلیامز و مت مک‌دانلد» در کتاب «مقدمه‌ای بر مطالعات امنیتی» خاطرنشان می‌سازند که «پرسش از چیستی امنیت، مسائلی چند درباره فلسفه شناخت به‌ویژه در مورد معرفت‌شناسی (ما چگونه چیزهای اطراف خود را می‌شناسیم)، هستی‌شناسی (به نظر ما جهان اجتماعی از چه پدیده‌هایی تشکیل شده است؟) و روش‌شناسی (ما چگونه باید جهان اجتماعی را بررسی کنیم؟) را مطرح می‌سازد. اگر ما این برداشت را بپذیریم که امنیت، مفهومی اساساً جدال‌برانگیز^۱ است؛ از این رو، بنا به تعریف، خواهیم فهمید که چنین مباحثی نمی‌توانند به‌صورت انتزاعی حل‌وفصل شوند» (Williams & McDonald, 2018: 6).

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است. داده‌های مربوطه از منابع کتاب‌خانه‌ای و وب‌محور استخراج می‌گردد. سازمان‌دهی پژوهش حاضر به این قرار است. در ابتدا به تعریف مطالعات امنیتی پرداخته می‌شود. در ادامه ۸ تعریف مختلف از مفهوم «امنیت» از میان تقریباً سی تعریف مختلف گزینش می‌گردد. سپس به معرفت‌شناسی و نخله‌های سه‌گانه آن پرداخته می‌شود و در ادامه بحث، ۸ کنش و کردار امنیتی مرتبط معرفی و مورد بررسی قرار می‌گیرند تا رابطه میان معرفت‌شناسی با عمل (کردار) شناسی مکاتب و نظریه‌های امنیتی مورد بررسی قرار گرفته و فرضیه پژوهش شکل گیرد. در انتها نیز فرضیه مورد بررسی قرار می‌گیرد. به‌منظور بررسی فرضیه از روش مقایسه کیفی بهره گرفته می‌شود.

مبانی نظری و مفاهیم:

مطالعات امنیتی چیست؟

«کرافت» معتقد است که مطالعات امنیتی^۲ یک زیررشته یا رشته فرعی^۳ است که هم در رشته اصلی روابط بین‌الملل و هم به‌طور فزاینده‌ای در یک حوزه فرعی یا زیرحوزه^۴ که چندرشته‌ای^۵ است، احصاء شده است. بدین معنا که از طریق دستورکارهای فکری^۶ رشته‌هایی غیر از روابط بین‌الملل پیش می‌رود (Croft, 2008: 500).

«ادوارد اسمیت» معتقد است که رشته مطالعات امنیتی از زمان آغاز به کار خود به‌عنوان یک رشته دانشگاهی متمایز، مبتنی بر سه پرسش اساسی بوده و مباحث و مناظره‌ها حول این سه پرسش شکل گرفته است: مرجع امنیت چیست؟ چه تهدیدهایی ممکن است متوجه این مرجع امنیت شوند؟ و چگونه باید امنیت را در برابر چنین تهدیدهایی تأمین نماییم؟^۷ (Smith, 2021: 12). «پل دی. ویلیامز

1. an essentially contested concept

2. Security Studies (SS)

3. subdiscipline

4. subfield

5. multidisciplinary

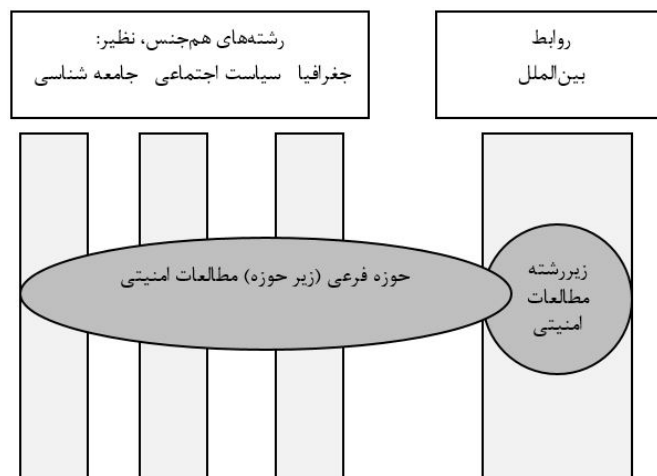
6. intellectual agendas

7. what is the referent object of security, what are the threats it may face and how should we provide security against such threats?

و مت مک‌دانلد» معتقد است «اگر ما درباره مطالعات امنیتی به‌عنوان یک حوزه پژوهش^۱ می‌اندیشیم، چهار پرسش اساسی و درعین‌حال بنیادی^۲ به‌عنوان شکل‌دهنده هسته فکری آن^۳ ایجاد می‌گردد: امنیت چیست؟^۴ ما درباره امنیت چه کسی صحبت می‌کنیم؟^۵ چه چیزی به‌عنوان یک موضوع امنیتی در نظر گرفته می‌شود؟^۶ چگونه می‌توان به امنیت دست‌یافت؟^۷» (Williams & McDonald, 2018: 5). «بری بوزان و لنه هانسن» معتقدند که چهار پرسش وجود دارند که از اواخر دهه ۱۹۴۰ میلادی ساختار مباحث درونی «مطالعات امنیت بین‌الملل»^۸ را به‌صورت صریح یا ضمنی شکل می‌دهند: پرسش اول آن است که آیا «به دولت به‌عنوان مرجع امنیت ارجحیت می‌بخشد؟»^۹؛ پرسش دوم آن است که آیا «تهدیدهای داخلی به همراه تهدیدهای خارجی را شامل می‌شود؟»^{۱۰}؛ پرسش سوم آن است که آیا «امنیت را به فراتر از بخش نظامی و استفاده از زور بسط می‌دهد؟»^{۱۱}؛ چهارمین و آخرین پرسش آن است که آیا «امنیت را به‌مثابه پیوندی جدایی‌ناپذیر با پویایی تهدیدها، خطرها و فوریت‌ها می‌نگرد؟»^{۱۲} (Buzan & Hansen, 2009: 10-12).

«کرافت» بر این باور است که اگرچه آثار علمی نشئت گرفته از رشته روابط بین‌الملل هنوز تمایل به تسلط دارند، لکن مطالعات امنیتی اکنون در میان طیف وسیعی از رشته‌ها قرار گرفته است. این موضوع مجموعه‌ای سیال و زنده از حوزه‌های پژوهشی^{۱۳} را که از تنوع مواضع نظری و معرفت‌شناختی تأثیر می‌پذیرند و عمیقاً در مناظره‌های معاصر درباره خشونت فیزیکی و ساختاری (نمادین)^{۱۴} ریشه دارند، نشان می‌دهد. در این زمینه، دو موضوع خاص برجسته و قابل‌مشاهده است: اول، برحسب «مطالعات امنیتی - حوزه فرعی»، به‌عنوان یکی از پویاترین حوزه‌های پژوهشی چندرشته‌ای با روابط میان امنیت، فرهنگ، تصورات و هویت سروکار دارد. دوم، برحسب «مطالعات امنیتی - رشته فرعی»، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مناظره‌های معاصر، شکاف میان دو نوع از نظریه‌پردازی است: که یکی در مثلث رئالیسم/ لیبرالیسم/ سازه‌انگاری قرار دارد و دیگری مبتنی بر اشکال مختلف تعهدات انتقادی^{۱۵} است. این‌ها در دو «جریان اصلی» متفاوت بازتولید می‌شوند که به نظر می‌رسد نقاط تماس اندکی در مناظره‌های پژوهشی معاصر دارند (Croft, 2008: 502-503).

1. a field of inquiry
2. four basic yet fundamental questions
3. its intellectual core
4. What is security?
5. Whose security are we talking about?
6. What counts as a security issue?
7. How can security be achieved?
8. International Security Studies (ISS)
9. The first question is whether to privilege the state as the referent object
10. The second question is whether to include internal as well as external threat.
11. The third question is whether to expand security beyond the military sector and the use of force
12. The fourth question is whether to see security as inextricably tied to a dynamic of threats, dangers and urgency
13. a vital and fluid series of areas of research
14. physical and structural (or symbolic) violence
15. various forms of critical engagement



شکل شماره یک: جایگاه مطالعات امنیتی

(Croft, 2008: 500)

این دیدگاه «استوارت کرافت» درباره جایگاه «مطالعات امنیتی» آن‌قدر دقیق بیان گردیده که دید نظری روشنی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. در بعد اول که ناظر بر «مطالعات امنیتی به‌عنوان یک زیررشته» است، مفاد مناظره چهارم در روابط بین‌الملل که ماهیتی فرانظری دارد، به‌عنوان یک عامل کلیدی ایفای نقش می‌نماید. در بعد دوم که «مطالعات امنیتی به‌عنوان یک حوزه فرعی (زیرحوزه)» را در برمی‌گیرد مباحثی نظیر فرهنگ استراتژیک، هویت، قدرت و ... میدان‌دار اصلی هستند.

«اوله ویور» محقق است که در مقاله معروف خود با عنوان «مکاتب جدید ابریستویث، کپنهاگ و پاریس در نظریه امنیتی و ریشه‌های آن‌ها بین مرکز و پیرامون»^۱ که در نشست سالیانه انجمن مطالعات بین‌الملل که در ۱۷ تا ۲۰ مارس سال ۲۰۰۴ در شهر مونترال کانادا برگزار شد ارائه داد، دیدی کلی در رابطه با «مطالعات امنیتی» به ما می‌دهد و مکاتب فکری اصلی در ایالات متحده و اروپا را مطابق جدول شماره یک به‌ترسیم می‌کشد.

جدول شماره یک: مکاتب نظری امنیتی در ایالات متحده و اروپا^۲ از منظر ویور

مکاتب نظری امنیتی در ایالات متحده	مکاتب نظری امنیتی در اروپا
رئالیسم تدافعی	سنت گرای (رئالیسم عرفی، رئالیسم سیاسی)
رئالیسم تهاجمی	مطالعات امنیتی انتقادی مکتب ابریستویث یا ولز
انواع دیگر رئالیسم (نئو کلاسیک و ...)	مکتب کپنهاگ

1. Aberystwyth, Paris, Copenhagen New 'Schools' in Security Theory and their Origins between Core and Periphery
2. 'Schools' of security theory in US and Europe

مکاتب نظری امنیتی در ایالات متحده	مکاتب نظری امنیتی در اروپا
سازمان‌گاری که به‌طور کلی از روابط بین‌الملل نشئت می‌گیرد.	آثار جامعه‌شناختی در زمینه امنیت بین‌الملل متعلق به دیدیه بیگو و همکاران وی در مکتب پاریس + جامعه مخاطره‌آمیز
رویکردهای مبتنی بر قدرت و نهادها در نظم بین‌الملل	پست‌مدرن‌های رادیکال، فمینیست‌ها و نظایر آن

(Wæver, 2004: 5)

منظور از رویکرد جریان اصلی در مطالعات امنیتی عمدتاً نظریه‌هایی است که دارای سه وجه بارز هستند: ۱- رویکرد معرفت‌شناختی اثبات‌گرایانه (پازیتیویستی) و ۲- دولت‌محوری ۳- اتخاذ رویکردهای حل مشکل که مشخصاً می‌توان از نظریه‌های رئالیسم تدافعی و تهاجمی نام برد. اما توضیحات کامل «استوارت کرافت» منظور این پژوهش از رویکردهای انتقادی در مطالعات امنیتی را روشن می‌سازد. «کرافت» معتقد است که زیررشته غیرآمریکایی انگلیسی‌زبان مطالعات امنیتی^۱ شامل یک جریان اصلی با چهار ساخت نظری متمایز است. هر یک از این چهار ساخت نظری به دنبال «انتقادی» بودن، به شکل خاص خود هستند؛ بنابراین، ما دارای یک «چهارگوش یا چهارضلعی انتقادی»^۲ شامل مکتب کپنهاگ؛ مکتب ولز؛ مکتب پاریس؛ و مکتب امنیت انسانی^۳ هستیم (Croft, 2008: 508).



شکل شماره دو: چهار زیررشته یا رشته فرعی غیرآمریکایی انگلیسی‌زبان مطالعات امنیتی

(Croft, 2008: 508)

معرفی هشت تعریف مختلف از مفهوم «امنیت»

در این بخش هشت تعریف گزینشی ارائه‌شده از مفهوم «امنیت» مورد بررسی قرار می‌گیرد. نظریه‌ها و مکاتب غربی در ابعاد مختلف فرانظری شامل هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و زیبایی‌شناسی دچار مناقشات و کشمکش‌های نظری هستند که این مناقشات خود را در تعاریف ارائه‌شده از مفهوم «امنیت» نشان می‌دهند.

1. non-American English-language subdiscipline of security studies

2. critical quadrangle

3. the Copenhagen School; the Welsh School; the Paris School; and the human security school

تعریف اول از مفهوم «امنیت»

در مطالعات امنیتی سنتی، امنیت یک جست‌وجوی ضروری برای بقا^۱ است (Aradau & van Munster, 2010: 73). در این راستا، «استفان ام. والت» به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان اصلی نظریه رئالیسم تدافعی معتقد است که مطالعات امنیتی «مطالعه و بررسی تهدید، استفاده و کنترل نیروی نظامی»^۲ (Walt, 1991: 212) است.

تعریف دوم از مفهوم «امنیت»

امنیت گونه خاصی از سیاست - نوعی از جنس کلی سیاست - است^۳ (Kolodziej, 2005: 22).

تعریف سوم از مفهوم «امنیت»

امنیت یک مفهوم اشتقاقی یا اقتباسی است^۴ (Bilgin, 2018: 61-62). «کولومبا پیپلز و نیک ووآن-ویلیامز» نیز در رابطه با گزاره «امنیت به‌عنوان یک مفهوم اشتقاقی یا اقتباسی» ضمن اشاره به این مطلب که گزاره فوق‌ایده‌ای مشترک در میان رویکردهای انتقادی به امنیت است، آن را این‌گونه تفسیر می‌نمایند که «شیوه اندیشیدن ما درباره امنیت، از شیوه اندیشیدن ما درباره جهان مشتق می‌شود» (Peoples & Vaughan-Williams, 2010: 4). «پینار بیلگین»، به‌عنوان یکی از پژوهشگران جریان انتقادی در توضیح گزاره «امنیت یک مفهوم اشتقاقی یا اقتباسی است» با استناد به «کن بوث» عنوان می‌دارد که «فهم هرکس از این مطلب که امنیت چیست (چه باید باشد) از چشم‌انداز یا دیدگاه سیاسی و جهان‌بینی فلسفی او مشتق می‌شود»^۵ (Bilgin, 2018: 62).

تعریف چهارم از مفهوم «امنیت»

امنیت یک کنش گفتاری^۶ است. امنیت، پاره گفتاری^۷ است که خودش یک کنش است. با گفتن امنیت، چیزی انجام می‌شود (Wæver, 1995: 55). «ویور» در مقاله «ایدئولوژی‌های تثبیت»^۸ که به‌عنوان بخشی از رساله دکتری وی در سال ۱۹۹۷ منتشر گردیده، می‌نویسد: «امنیت، اساساً یک کنش گفتاری یا به‌طور دقیق‌تر یک «کنش غیربیانی»^۹ است ... امنیت، صدایی است که هنگامی که صاحبان قدرت^{۱۰} ادعا می‌نمایند نیاز به استفاده از یک حق ویژه برای جلوگیری از

1. a necessary quest for survival

2. the study of the threat, use, and control of military force

3. Security is a special form of politics – a species of the more general genus of politics.

4. security is a 'derivative concept'

5. one's understanding of what 'security' is (or should be) derives from one's political outlook and philosophical world-view

6. speech act

۷. Utterance در زبان‌شناسی ساخت‌گرا، به بخشی از گفتار اطلاق می‌گردد که قبل و بعد از آن سکوت باشد؛ از این رو، پاره گفتار را نباید با جمله یکسان دانست؛ زیرا ممکن است بسیاری از پاره گفتارها تنها از یک واژه یا گروهی از واژه‌ها یا از یک جمله ناقص تشکیل شده باشند. هر آن‌چه که فرد قبل یا بعد از صحبت شخص دیگری می‌گوید، پاره گفتار نامیده می‌شود؛ مثلاً اگر از فردی سؤال گردید که «آیا کارت را انجام دادی؟» پاسخ «بلی» یا «خیر» آن فرد یک پاره گفتار محسوب می‌گردد (مک‌دانل، ۱۳۷۷: ۵۴).

8. Ideologies of Stabilization

9. illocutionary act

10. power-holders

بروز تحولات خاص از طریق ارجاع به امنیت دولت است، طنین‌انداز می‌گردد. یک حق ویژه برای استفاده از ابزارهای غیرعادی که فراتر از فهرست سیاست‌های روزمره باشد. یک حق ویژه که در تصویر اولیه از دولت مدرن که وظیفه اصلی آن تأمین‌کننده امنیت و ثبات است، ریشه دارد» (Floyd, 2010: 10).

تعریف پنجم از مفهوم «امنیت»

«امنیت چیزی است که ما از آن می‌فهمیم یا اصطلاحاً آن را می‌سازیم^۱. یک پدیده هم‌آیند یا پدیدار به‌صورت بیناذهنی ایجاد شده است^۲. جهان‌بینی‌ها و گفتمان‌های مختلف درباره سیاست، حامل دیدگاه‌ها و گفتمان‌های مختلفی درباره امنیت هستند» (Booth, 1997: 106). لازم به ذکر است که «پدیده هم‌آیند یا پدیدار»^۳ مطابق تعریف فرهنگ «کمبریج»، «پدیده‌ای است که هم‌زمان با پدیده دیگری وجود دارد، لکن ربطی به آن پدیده ندارد»^۴. یا به زبان گویاتر ارتباط متقابلی بین این دو پدیده وجود ندارد. به‌عنوان مثال، پس از افزایش التهاب مرتبط با عفونت باکتریایی، فرد باید آنتی‌بیوتیک مصرف نماید. پس از مصرف آنتی‌بیوتیک، خطر ابتلا به سرطان سینه افزایش می‌یابد. در این مثال، افزایش خطر ابتلا به سرطان سینه یک «پدیده هم‌آیند یا پدیدار» است که هم‌زمان با پدیده دیگری (مصرف آنتی‌بیوتیک) وجود دارد، لکن ربطی به آن پدیده ندارد، زیرا آنتی‌بیوتیک ذاتاً سرطان‌زا نیست. مصرف آنتی‌بیوتیک صرفاً خطر ابتلا به سرطان سینه را افزایش می‌دهد.

تعریف ششم از مفهوم «امنیت»

امنیت یک فناوری اجتماع است که مرزهای درون و برون‌گذاری را تنظیم می‌کند^۵ (Goede, 2010: 108).

تعریف هفتم از مفهوم «امنیت»

امنیت (بر) ساخته‌ای اجتماعی است^۶ (McDonald, 2018: 49).

تعریف هشتم از مفهوم «امنیت»

امنیت عمدتاً درباره قربانیکردن نیز هست^۷. نه تنها ممکن است که امنیت موجد ناامنی^۸ گردد؛ بلکه بفرض یک انتخاب و قربانیکردن یک بازیگر به نفع بازیگر دیگر^۹ شکل می‌گیرد. امنیت نمی‌تواند جهانی و برای همه باشد. امنیت برنده و بازنده دارد. رویه‌های امن‌نمودن برخی، هم‌زمان رویه‌های ناامن کردن دیگران است^{۱۰}. برخلاف ادعای سیاست‌مداران و پژوهشگران که امنیت را به‌عنوان یک خیر یا کالای عمومی

1. Security is what we make it

2. It is an epiphenomenon intersubjectively created

3. epiphenomenon

4. a phenomenon that exists at the same time as another one but is not related to it.

5. a technology of community regulating the boundaries of in- and exclusion

6. security is a social construction

7. Security is also and mainly about sacrifice

8. insecurity

9. a choice and a sacrifice of one actor in favour of another one

10. The practices of securing some are simultaneously practices rendering others insecure

برای همه^۱ در نظر می‌گیرند، امنیت هرگز نامحدود نیست. امنیت در مورد مشروعیت است و در مرکز تعریف آن، سیاست قرار دارد^۲ (Bigo, 2008: 123).

معرفت‌شناسی چیست؟

ملاحظه می‌شود که تعاریف مختلفی از یک مفهوم واحد ارائه گردیده است. علت این تنوع و تغایر را باید در تفاوت بین جهت‌گیری‌های معرفت‌شناختی جست‌وجو نمود؛ بنابراین توجه به مباحث معرفت‌شناسی نظریه‌های امنیتی بسیار کلیدی و مهم است. لازم به ذکر است که معرفت‌شناسی^۳ به‌عنوان شاخه اصلی از علوم فلسفی، سابقه چندان کهنی ندارد و می‌توان جان لاک (۱۷۰۴-۱۶۳۲) و لایبنیتس (۱۷۱۶-۱۶۴۶) را نخستین کسانی دانست که مسائل معرفت‌شناسی را به‌طور منظم و مستقل موردبحث قرار داده‌اند (حسینزاده، ۱۵-۱۶: ۱۳۸۵). ویور، معرفت‌شناسی را این‌گونه تعریف می‌نماید: «چگونه می‌دانیم آن‌چه را که می‌دانیم، می‌دانیم»^۴ (Wæver, 1997: 16). «معرفت‌شناسی علمی است که درباره شناخت‌های انسانی و ارزش‌یابی انواع آن‌ها و تعیین معیار صدق و کذب آن‌ها بحث می‌کند» (حسینزاده، ۱۳۸۵: ۱۷). «کیت دی‌روز» معتقد است که «معرفت‌شناسی شاخه‌ای از فلسفه است که به پرسش‌هایی درباره ماهیت، دامنه (گستره) و منابع شناخت^۵ می‌پردازد» (DeRose, 2005). به موضوعات سه‌گانه فوق، باید پرسش «امکان‌پذیری یا عدم امکان‌پذیری شناخت» را نیز اضافه کرد. به عبارت دیگر اگر در موضوع «ماهیت شناخت» ما با این پرسش مواجهیم که «چه تعریفی می‌توان از شناخت ارائه داد؟»، اگر در موضوع «دامنه یا گستره شناخت» این پرسش که «چه موضوعاتی در حوزه شناخت بشر قرار می‌گیرد؟» مورد دقت قرار می‌گیرد و پرسش «انسان چگونه و با چه ابزاری می‌شناسد؟» در موضوع «منابع شناخت» مطرح می‌گردد، در چهارمین پرسش معرفت‌شناسانه «امکان‌پذیری شناخت» و این که «آیا شناخت برای انسان امکان‌پذیر است؟» مورد سؤال قرار می‌گیرد.

در این بخش لازم است که اشاره‌ای گذرا به رویکردهای سه‌گانه اثبات‌گرایی، انتقادی و تفسیرگرایی داشته باشیم.

«یورگن هابرماس» از سه دسته علایق شناختی نام می‌برد که هریک به نوع خاصی از شناخت منتهی می‌گردند. هریک از این علایق شناختی یک رویکرد معرفت‌شناسی هستند: الف) علایق فنی^۶ که به علوم تحلیلی-تجربی یا پازیتیویستی (اثبات‌گرایانه) شکل می‌دهد و دغدغه اصلی آن کنترل است؛ ب) علایق رهایی‌بخش^۷ که بنیان شناخت انتقادی است و دغدغه اصلی آن ایجاد دگرگونی و نهایتاً نیل به رهایی است؛

1. as a public good for all

2. Security is about legitimacy and involves politics at the heart of its definition

3. Epistemology

4. how do we know that we know what we know

5. nature, scope, and sources of knowledge

6. Technical

7. Emancipatory

ج) علایق عملی^۱ یا تفاهمی و ارتباطی^۲ که به دانش تأویلی یا هرمنوتیک منتهی می‌شود و دغدغه اصلی آن فهم است (مشیرزاده، ۲۱۹: ۱۳۸۸).

«پل آر. تری» در مقاله «هابرماس و تعلیم: شناخت، ارتباطات و گفت‌وگو» این سه دسته علایق شناختی را مورد بررسی قرار داده است که در جدول شماره دو بدان اشاره گردیده است.

جدول شماره دو: انواع شناخت

انواع شناخت (Knowledge)	علایق (Interests)	انواع معرفت (مطابق دیدگاه رایل (Ryle))	نمونه‌ها
انتقادی (Critical)	رهایی‌بخشی (Emancipatory)	معرفت تصویری (knowing why)	مارکس/ فروید
تأویل‌گرایی (Hermeneutic)	تاریخی (Historical)	معرفت مهارتی دانش عملی (knowing how)	علوم انسانی/ علوم اجتماعی
تحلیلی (Analytical)	تجربی (Empirical)	معرفت گزاره‌ای دانش نظری (knowing that)	علوم طبیعی (Natural sciences)

(Terry, 1997: 271)

معروف‌ترین رویکرد معرفت‌شناختی در غرب پازیتیویسم است که طرفداران متعصبی در ایالات متحده و بریتانیا دارد. پازیتیویسم و اصطلاحات «تجربه‌گرایی»، «رفتارگرایی»، «طبیعت‌گرایی» و «علم»^۳ اغلب به‌جای هم به کار می‌روند (Hughes, 1990: 16). اگرچه عده‌ای گرایش‌های پازیتیویستی را به «ارسطو» در یونان باستان، «راجر بیکن»^۴ در قرن سیزده و «فرانسویس بیکن»^۵ در قرن شانزده منسوب می‌نمایند لکن طرح واژه پازیتیویسم را می‌توان به «سن‌سیمون»^۶ نسبت داد که پس از وی به کرات در نوشته‌های «آگوست کنت»^۷ تکرار گردید. شالوده پازیتیویسم را چهار مفروضه به‌هم‌پیوسته تشکیل می‌دهد. نخست حقیقتی عینی وجود دارد که می‌توان آن را کشف کرد. دوم ابزار کشف این حقیقت، خرد است و تنها یک‌شکل درست خردورزی و استدلال وجود دارد. سوم ابزار خردورزی، تجربه‌گرایی است که به تحلیل‌گر امکان می‌دهد قضایا را به آزمون کشد. چهارم بین مشاهده‌گر یا سوژه شناسا^۸ و امر مورد مشاهده یا ابژه یا موضوع شناخت^۹ می‌توان تمیز گذاشت (تریف، کرافت، جیمز و مورگان، ۱۹۶: ۱۳۸۳).

1. Practical
2. Communicative
3. Empiricism, Behaviorism, Naturalism, Science
4. Roger Bacon
5. Francis Bacon
6. Saint-Simon
7. Auguste Comte
8. Observer/Subject
9. Observed/Object

در رابطه با پسااثبات‌گرایی باید گفت که «استیو اسمیت» آن را شامل پنج دیدگاه «واقع‌گرایی علمی»^۱، «تأویل‌گرایی یا هرمنوتیک»^۲، «نظریه انتقادی (در معنای مکتب فرانکفورتی آن، با C و T بزرگ»^۳، «فمینیسم» و «پسامدرنیسم یا پساتجددگرایی» می‌داند). «اسمیت» معتقد است که اصطلاح «critical theories» به‌تمامی رویکردهای پسااثبات‌گرایانه^۴ اشاره دارد (Smith, 1996: 25).

جدول شماره سه: مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی اثبات‌گرایی (پازیتیویسم)

مفروضه‌های معرفت‌شناختی	مفروضه‌های هستی‌شناختی
* روش‌شناسی (methodology) علوم طبیعی باید به‌منظور مطالعه واقعیت یا هستی اجتماعی social reality به کار گرفته شود.	* واقعیت (Reality)، نسبت به پژوهش‌گر، خارجی (external) است حقیقتی خارج از ذهن پژوهش‌گر وجود دارد و از طریق ابروها (objects) در فضا (space) نشان داده می‌شود.
* می‌توان به حقیقت (Truth) دست‌یافت، زیرا شناخت (knowledge) مبتنی بر مجموعه‌ای از حقایق ثابت (Firm)، غیرقابل‌تردید (unquestionable) و غیرقابل مناقشه (indisputable) است.	* ابروها (objects) مستقل از هر گونه آگاهی از آن‌ها (consciousness of them) معنا دارند.
* شناخت به‌صورت قیاسی (deductively) و از طریق یک نظریه (theory) یا فرضیه (hypothesis) ایجاد می‌شود.	* واقعیت می‌تواند توسط حواس (senses) ما ضبط (be captured) و پیش‌بینی شود.
* شناخت، عینی و بی‌طرف (objective) است.	

(Mack, 2010: 7)

جدول شماره چهار: مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی نظریه انتقادی (مکتب فرانکفورت)

مفروضه‌های معرفت‌شناختی	مفروضه‌های هستی‌شناختی
* شناخت به‌صورت اجتماعی (socially constructed) از طریق رسانه‌ها، نهادها (institutions) و جامعه (بر) ساخته می‌شود.	* واقعیت یا هستی اجتماعی (social reality) توسط افراد جامعه تعریف می‌شود.
* آن‌چه که به‌عنوان شناخت ارزشمند (worthwhile knowledge) در نظر گرفته می‌شود به‌واسطه قدرت و جایگاه اجتماعی طرفداران آن شناخت تعیین می‌شود.	* واقعیت یا هستی اجتماعی به‌صورت اجتماعی از طریق رسانه‌ها (media)، نهادها و جامعه (بر) ساخته می‌شود.
* شناخت و قدرت یکدیگر را ایجاد می‌نمایند.	* رفتار اجتماعی (social behavior) نتیجه عوامل نامشروع خاص (particular illegitimate)، تحکم‌آمیز (dominatory) و سرکوبگر (repressive) است، نامشروع به این معنا که آن‌ها در راستای منافع عمومی یک فرد یا آزادی گروه عمل نمی‌کنند و قدرت به قیمت از دست رفتن آزادی و قدرت دیگران به دست می‌آید.

(Mack, 2010: 9-10)

1. Scientific Realism
2. hermenutics
3. Critical Theory
4. all post-positivist approaches

جدول شماره پنج: مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی الگوواره تفسیرگرا

مفروضه‌های معرفت‌شناختی	مفروضه‌های هستی‌شناختی
* شناخت (knowledge) از طریق یک راهبرد که به تفاوت‌های بین افراد و اشیاء در علوم طبیعی (differences between people and the objects of natural sciences) احترام می‌گذارد و بنابراین لازم می‌داند که دانشمندان علوم اجتماعی نسبت به درک معنای ذهنی کنش‌های اجتماعی (the subjective meaning of social action) اقدام نمایند، کسب می‌گردد. * شناخت به صورت استقرایی (inductively) و از طریق ایجاد یک نظریه (a theory) به دست می‌آید. * شناخت از موقعیت‌های خاص (particular situations) ناشی می‌شود و به تفسیر ساده (simplistic interpretation) کاهش‌پذیر (reducible) نیست. * شناخت از طریق تجربه شخصی (personal experience) به دست می‌آید.	* واقعیت بر اساس تفسیر شخصی (individual interpretation) (بر) ساخته می‌شود و امری ذهنی (subjective) است. * افراد تفسیر می‌کنند (interpret) و معنای خود از وقایع (their own meaning of events) را خلق می‌کنند. * وقایع یا پدیده‌ها، متمایز (distinctive) هستند و نمی‌توانند تعمیم داده شوند (cannot be generalized). * چشم‌اندازهای متعددی (multiple perspectives) از یک واقعه وجود دارد. * علیت (causation) در علوم اجتماعی از طریق تفسیر معانی و نمادها (symbols) تعیین می‌شود.

(Mack, 2010: 8)

«کیت کراوس» در مقاله خود ویژگی‌های هسته مشترک رویکردهای انتقادی به امنیت را که در تضاد با نظریه‌های جریان اصلی مطالعات امنیتی (با معرفت‌شناسی پازیتیویستی) هستند، معرفی می‌کند که می‌توان با قاطعیت عنوان نمود که در میان تمامی نظریه‌های امنیتی انتقادی (در معنای عام آن و نه صرفاً در معنای مکتب ولزی یا ابريستویثی آن) مشترک هستند و از طریق آن می‌توان نظریه‌های انتقادی مطالعات امنیتی را تمیز داد:

اول) «کنشگران اصلی» در سیاست جهانی -خواه دولت‌ها باشند خواه نه- («بر) ساخته‌های اجتماعی»^۱ و محصول فرایندهای پیچیده تاریخی شامل ابعاد اجتماعی، سیاسی، مادی و معنایی^۲ هستند. دوم) این سوژه‌ها یا کنشگران اصلی در عرصه سیاست جهانی از طریق رویه‌های سیاسی که «فهم مشترک اجتماعی»^۳ را ایجاد می‌نمایند، تکوین یا قوامیافته (و بازتکوین یافته)^۴ هستند. این فرایند تکوین یا قوامیافتن^۵ به سوژه‌ها، هویت‌ها و منافع مختلفی می‌دهد که از پیش تعیین شده و تغییرناپذیر^۶ نیستند؛ بلکه اقتضامند^۷ هستند.

1. social constructs
2. social, political, material and ideational dimensions
3. shared social understanding
4. constituted (or re constituted)
5. this process of constitution
6. given or unchanging
7. contingent

سوم) از آنجاکه سیاست جهانی نهایتاً برساخته‌ای اجتماعی است، ایستا و تغییرناپذیر نیست و ساختارهای آن تعیین‌کننده نیستند.

چهارم) از آنجاکه سازمان‌دهی و تبیین حقایق جهان، فرایندی جمعی (و اجتماعی) شامل مشاهده‌کنندگان^۱ و/یا بازیگران اجتماعی است، بنابراین شناخت ما از موضوعات و ساختارها و رویه‌های سیاست جهانی، عینی^۲ نیستند.

پنجم) روش‌شناسی مناسب برای علوم اجتماعی، روش‌شناسی علوم طبیعی نیست. روش تفسیرگرا^۳ که فهم بازیگران از نحوه سازمان‌دهی جهان اجتماعی آن‌ها بهمراه ارتباط بین این فهم با رویه‌ها و ساختارهای اجتماعی که این بازیگران در آن جای گرفته‌اند را بررسی می‌نماید، کانون توجه اصلی پژوهش و روش مناسب است.

و ششم) هدف نظریه، تبیین و پیش‌بینی^۴ در چارچوبی از ادعاهای علی تعمیم‌پذیر و فراتاریخی^۵ نیست؛ بلکه هدف آن فهم زمینه‌مند و شناخت عملی^۶ است (Krause, 1998: 316-317).

یافته‌های پژوهش

در این بخش هشت کنش و کردار امنیتی مرتبط معرفی می‌گردد تا رابطه هشت تعریف ارائه‌شده از مفهوم «امنیت» در بخش قبلی با این هشت کنش و کردار امنیتی مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌ها مؤید فرضیه پژوهش هستند.

۴-۱) تأثیر معرفت‌شناسی بر تعریف اول از مفهوم «امنیت» و کنش امنیتی مرتبط: تأکید بر حفظ بقا در دوران جنگ سرد و بی‌تفاوتی نسبت به موضوعات امنیتی دیگر

امنیت یک جست‌وجوی ضروری برای بقا است. زمانی که سیاست‌مداران، تصمیم‌گیرندگان و دست‌اندرکاران امنیتی این تعریف را می‌پذیرند و مبنا قرار می‌دهند، کنش‌ها و کردارهای امنیتی خود را به نحوی تنظیم می‌کنند که بقا حفظ شود؛ یعنی امنیت معادل بقا در نظر گرفته می‌شود. بقا به معنای حفظ وجود است و مفهومی «عینی» است؛ بنابراین، معرفت‌شناسی اثبات‌گرایانه (پازیتیویستی) که دغدغه اصلی آن «کنترل» است و بر عینی‌گرایی تأکید دارد، موجب می‌گردد که امنیت به صورت «یک جست‌وجوی ضروری برای بقا» تعریف گردد؛ یعنی هدف اصلی، «کنترل» محیط خارجی از طریق رصد و پایش تهدید نظامی دولت یا دولت‌های دیگر است تا نتواند امنیت (= بقای) یک دولت را با تهدید مواجه سازند. در این راستا، معرفت‌شناسی اثبات‌گرایانه (پازیتیویستی) موجب ارائه یک تعریف عینی از امنیت می‌گردد. در نتیجه، به‌منظور ایجاد و حفظ امنیت (که در این جا همان بقا است) باید از روش‌های

1. observers

2. objective

3. interpretive methods

4. explanation and prediction

5. transhistorical and generalizable causal claims

6. contextual understandings and practical knowledge

عینی (افزایش قدرت سخت) و مشخصاً افزایش توانمندی‌های نظامی و اقتصادی استفاده نمود. در مجموع، تأثیر بعد معرفت شناختی بر بعد عمل شناختی در این تعریف، مستقیم و خطی است، بدین معنا که نشست گرفته از معرفت شناسی اثبات گرایانه (پازیتیویستی)، امنیت و تهدید مفهومی عینی تعریف می‌گردد که به منظور ایجاد و حفظ امنیت باید از روش‌های عینی استفاده نمود.

جدول شماره شش: تحلیل تأثیر بعد معرفت شناختی تعریف اول امنیت بر بعد عمل شناختی

رویکرد معرفت شناختی	اثبات گرایانه (پازیتیویستی)
تأثیر بعد معرفت شناسی بر تعریف امنیت	ارائه تعریف عینی گرایانه از امنیت (امنیت یک مفهوم عینی است)
تعریف امنیت (امنیت چیست؟)	امنیت یک جست و جوی ضروری برای بقا است
عامل تهدید کننده امنیت	جنگ (یک پدیده عینی)
پیامد	امنیت معادل صلح سلبی (نبود جنگ) در نظر گرفته می‌شود
مصدق/نمونه	جنگ سرد
روش ایجاد و حفظ امنیت	روش‌های عینی گرایانه (افزایش قدرت سخت)
چه کنش و کرداری برای حفظ و ایجاد امنیت لازم است؟	افزایش توانمندی‌های نظامی - افزایش توان اقتصادی
تأثیر بعد معرفت شناختی بر بعد عمل شناختی	مستقیم و خطی (امنیت مفهومی عینی است و به منظور ایجاد و حفظ امنیت باید از روش‌های عینی استفاده نمود)

(نگارندگان)

نمونه‌ای که بتوان به عنوان کنش یا مجموعه کنش مرتبط با این تعریف ذکر نمود در طول جنگ سرد نمود داشت. در طول جنگ سرد، امنیت معادل بقا^۱ پنداشته می‌شد، تنها مرجع امنیت^۲، دولت بود و تنها تهدید متوجه امنیت نیز تهدید نظامی بود. هر کشوری که می‌توانست بقای خود را حفظ نماید، کشوری دارای امنیت بود، ولو آن که مردم آن کشور تحت فقر و آزار سامانند یک حاکم دیکتاتور قرار داشتند. در تاریخ ۶ و ۹ اوت ۱۹۴۵ دو شهر هیروشیما و ناگازاکی هدف دو بمب هسته‌ای ایالات متحده با نام‌های پسر کوچک و مرد چاق قرار گرفتند. چندی بعد و در تاریخ ۲۹ اوت ۱۹۴۹ اتحاد جماهیر شوروی اولین بمب هسته‌ای خود را آزمایش نمود. بدین سان جهان وارد مرحله‌ای شد که بقای دو ابرقدرت و بلوک شرق و غرب به واسطه هراس از «نابودی متقابل حتمی»^۳ تضمین می‌گردید؛ زیرا استفاده یک طرف از جنگ افزارهای هسته‌ای قطعاً با واکنش طرف دیگر مواجه می‌گردید و از این رو، هر دو طرف به صورت قطعی نابود می‌شدند. آثار و پیامد این موضوع آن بود که از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۱ تنها بر بحث بقا

1. survival

2. Referent Object of Security

3. Mutual Assured Destruction (MAD)

و عمدتاً هم بقای دو ابرقدرت و بلوک‌های تحت تسلط آنان در برابر تهدیدهای نظامی (و عمدتاً تهدید بمب‌های هیدروژنی که بسیار قدرتمندتر از تسلیحات هسته‌ای هستند) تأکید می‌شد. در نتیجه، موضوعاتی نظیر فقر، بی‌عدالتی، خشونت‌های ساختاری، شکنجه و آزار سامانمند مردم در برخی از کشورها توسط حکام دیکتاتور آنان در حیطه «امنیت» قرار نمی‌گرفتند و جهان چشم خود را بر نابودی بسیاری از مردمان تحت فقر، تحت شکنجه و تحت بی‌عدالتی بست و بدان‌ها نپرداخت.

۴-۲) تأثیر معرفت‌شناسی بر تعریف دوم از مفهوم «امنیت» و کنش امنیتی مرتبط: راه‌اندازی و بستن نافرجام زندان گوانتانامو

امنیت گونه خاصی از سیاست - نوعی از جنس کلی سیاست - است. زمانی که سیاست‌مداران، تصمیم‌گیرندگان و دست‌اندرکاران امنیتی این تعریف را می‌پذیرند و مبنا قرار می‌دهند، کنش‌ها و کردارهای امنیتی خود را بر اساس سیاست‌ها و نگرش (ایستار) دولتی که قوه مجریه یا نهادهای امنیتی را در اختیار دارد، تنظیم می‌نمایند؛ یعنی امنیت به‌عنوان امری سیاسی در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین، معرفت‌شناسی انتقادی در مطالعات امنیتی (از نوع تفسیرگرا در روابط بین‌الملل)، موجب می‌گردد که امنیت به‌صورت «گونه خاصی از سیاست - نوعی از جنس کلی سیاست» تعریف گردد. در این راستا، معرفت‌شناسی تفسیری موجب ارائه یک تعریف بینادهنی از امنیت می‌گردد. در نتیجه، به‌منظور ایجاد و حفظ امنیت (که در این‌جا از جنس سیاست است) باید از روش‌های سیاسی (مطابق نگرش سیاسی جریان حاکم) استفاده نمود. به‌عنوان نمونه، ممنوعیت ماری‌جوآنا یا آزادسازی مصرف آن توسط سیاست‌گذاران یک کشور موجب دو برخورد کاملاً متفاوت از سوی دست‌اندرکاران امنیتی یک کشور می‌شود (برخورد خشن و بگرویند یا مماشات). در این راستا، بسته به نگرش سیاسی جریان حاکم، ممکن است تصمیم‌گیرندگان و دست‌اندرکاران امنیتی به‌منظور ایجاد و حفظ امنیت در محیط داخلی و خارجی از گزینه‌های سخت نظیر جنگ، ترور، زندانی نمودن مخالفان و امثالهم یا روش‌های نرم نظیر مذاکره استفاده نمایند. در مجموع، تأثیر بعد معرفت‌شناختی بر بعد عمل‌شناختی در این تعریف، مستقیم و خطی است، بدین معنا که بینادهنی‌گرایی مستتر در معرفت‌شناسی انتقادی در مطالعات امنیتی موجب می‌گردد که امنیت، تهدید و روش ایجاد و حفظ امنیت (بعد عمل‌شناختی) همه ماهیتی سیاسی پیدا کنند و توسط سیاست تعیین شوند.

جدول شماره هفت: تحلیل تأثیر بعد معرفت‌شناختی تعریف دوم امنیت بر بعد عمل‌شناختی

رویکرد معرفت‌شناختی	انتقادی (در معنای رایج در مطالعات امنیتی - از نوع تفسیرگرا در روابط بین‌الملل)
تأثیر بعد معرفت‌شناسی بر تعریف امنیت	ارائه تعریفی بینادهنی از امنیت (مطابق نگرش سیاسی جریان حاکم)

تعریف امنیت (امنیت چیست؟)	امنیت گونه خاصی از سیاست - نوعی از جنس کلی سیاست- است
عامل تهدید کننده امنیت	سیاست‌های امنیتی دیگر کنشگران
پیامد	امنیت امری سیاسی و در نتیجه سیال و متغیر در نظر گرفته می‌شود
مصدق/نمونه	راه‌اندازی زندان گوانتانامو در دولت بوش و بستن آن در دولت اوباما
روش ایجاد و حفظ امنیت	روش‌های سیاسی (مطابق نگرش سیاسی جریان حاکم)
چه کنش و کرداری برای حفظ و ایجاد امنیت لازم است؟	استفاده از روش‌های سیاسی (مطابق نگرش سیاسی جریان حاکم). در این راستا، بسته به نگرش سیاسی جریان حاکم، ممکن است تصمیم‌گیرندگان و دست‌اندرکاران امنیتی به منظور ایجاد و حفظ امنیت در محیط داخلی و خارجی از جنگ (به عنوان یک گزینه که در ادامه سیاست لکن با ابزاری دیگر است)، ترور، زندانی نمودن مخالفان و امثالهم استفاده نمایند
تأثیر بعد معرفت‌شناختی بر بعد عمل‌شناختی	مستقیم و خطی (امنیت مفهومی سیاسی است و به منظور ایجاد و حفظ امنیت باید از روش‌های سیاسی (مطابق نگرش سیاسی جریان حاکم) استفاده نمود)

(نگارندگان)

نمونه‌ای که بتوان به عنوان کنش مرتبط با این تعریف ذکر نمود، راه‌اندازی و بستن نافرجم زندان گوانتانامو است که نشان می‌دهد امنیت و کنش‌های امنیتی تابعی از سیاست هستند. به دنبال وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، «جرج دابلیو. بوش» با گرفتن انگشت اشاره به سمت القاعده، زمینه‌چینی برای حمله به افغانستان را که کنترل بخش اعظم آن در اختیار گروه طالبان قرار داشت، آغاز نمود. «بوش» در این راستا، از طالبان خواست تا تمامی کمپ‌های نظامی القاعده در افغانستان را تعطیل کرده، رهبران القاعده و شبه‌نظامیان وابسته را به ایالات متحده مسترد و اجازه بازرسی از کمپ‌های نظامی به بازرسان آمریکایی را صادر نماید. به دنبال امتناع رهبران طالبان از اجابت این درخواست، «بوش» در ۷ اکتبر ۲۰۰۱ (۱۵ مهرماه ۱۳۸۰) فرمان آغاز عملیات «آزادی پایدار» و حمله به افغانستان را صادر نمود. ۱۳ نوامبر ۲۰۰۱ (۲۲ آبان ۱۳۸۰)، «بوش» فرمان اجرایی «بازداشت، نحوه رفتار و محاکمه برخی از شهروندان غیرآمریکایی در جنگ علیه تروریسم»^۱ را صادر نمود. به موجب این فرمان نظامی، مقامات ایالات متحده این اختیار را پیدا نمودند تا اتباع خارجی را بدون هیچ گونه اتهامی به صورت نامحدود در بازداشت نگاه‌دارند و افراد بازداشتی نیز از انجام هرگونه روند قانونی برای اعتراض به بازداشت خود منع شدند. چندی بعد در ۱۱ ژانویه ۲۰۰۲ (۲۱ دی ۱۳۸۰)، بیست زندانی به کمپ ایکس-ری زندان گوانتانامو^۲ که در پایگاه نیروی دریایی خلیج گوانتانامو قرار داشت، منتقل شدند (Aljazeera, Jan 10, 2022). متأسفانه بسیاری از افراد خارجی در این زندان مورد شکنجه و آزارهای وحشتناک قرار گرفتند. این اقدام که به نام و در اصل به بهانه «امنیت»

1. Detention, Treatment and Trial of Certain Non-Citizens, in the War Against Terrorism

2. Guantanamo Bay's Camp X-Ray

ایالات متحده صورت گرفت مورد اعتراض بسیاری از فعالان حقوق بشر در ایالات متحده و سرتاسر جهان قرار گرفت و به یکی از محورهای مناظرانی میان نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده در جریان کارزارهای انتخاباتی سال ۲۰۰۸ مبدل گردید. دو روز پس از استقرار «باراک اوباما» در کاخ سفید (در ۲۰ ژانویه ۲۰۰۹)، وی سه فرمان اجرایی را در ۲۲ ژانویه ۲۰۰۹ (۳ بهمن ۱۳۸۷) با موضوع زندان گوانتانامو صادر نمود. فرمان اول (فرمان اجرایی شماره ۱۳۴۹۱) در مورد ممنوعیت استفاده از فن‌های بحث‌برانگیز بازجویی سیا از جمله غرق مصنوعی بود. فرمان اجرایی دوم (فرمان اجرایی شماره ۱۳۴۹۲) در مورد بسته شدن زندان گوانتانامو در یک سال آتی بود و فرمان سوم (فرمان اجرایی شماره ۱۳۴۹۳) با عنوان بررسی گزینه‌های موجود در باب نحوه سیاست‌گذاری بازداشت متهمان^۱ صادر گردید که به موجب آن می‌باید مکان‌های جایگزینی برای بازداشت‌شدگان در زندان گوانتانامو تعیین می‌گردید. اگرچه فرمان اجرایی ۱۳۴۹۲ به واسطه مخالفت شدید کنگره به محاق رفت و اجرایی نگردید، لکن موجب گردید که تعداد زندانیان محبوس در گوانتانامو از ۲۴۵ نفر به ۴۱ نفر کاهش یابد.

نکته شایسته توجه این موضوع، نگاه و زاویه دید کاملاً متفاوت دو رئیس‌جمهور ایالات متحده، یعنی بوش و اوباما به موضوع امنیت است که نشان می‌دهد امنیت تابع سیاست و نوعی از جنس کلی سیاست است.

۳-۴) تأثیر معرفت‌شناسی بر تعریف سوم از مفهوم «امنیت» و کنش امنیتی مرتبط: نگاه متفاوت مقامات ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران به امنیت غرب آسیا (خاورمیانه) نشئت گرفته از جهان‌بینی متفاوت آن‌ها

امنیت یک مفهوم اشتقاقی (اقتباسی) است. زمانی که سیاست‌مداران، تصمیم‌گیرندگان و دست‌اندرکاران امنیتی این تعریف را می‌پذیرند و مبنا قرار می‌دهند، کنش‌ها و کردارهای امنیتی خود را مطابق جهان‌بینی خود تنظیم می‌کنند؛ یعنی نگاه تصمیم‌گیرندگان و دست‌اندرکاران امنیتی به امنیت از جهان‌بینی آنان نشئت می‌گیرد؛ بنابراین، معرفت‌شناسی انتقادی در مطالعات امنیتی (از نوع مکتب فرانکفورتی در روابط بین‌الملل)، موجب می‌گردد که امنیت به عنوان «یک مفهوم اشتقاقی (اقتباسی)» تعریف گردد. در نتیجه، به منظور ایجاد و حفظ امنیت از روش‌های متغیر و چندگانه (بسته به جهان‌بینی تصمیم‌گیرندگان و دست‌اندرکاران امنیتی) استفاده می‌شود. ممکن است تصمیم‌گیرندگان و دست‌اندرکاران امنیتی در یک کشور به منظور مقابله با یک تهدید متوسل به جنگ و ترور شوند و تصمیم‌گیرندگان و دست‌اندرکاران امنیتی در کشور دیگر (با جهان‌بینی متفاوت) به منظور مقابله با همان تهدید از دیپلماسی یا تحریم استفاده کنند یا حتی آن را یک تهدید در نظر نگیرند. در مجموع، تأثیر بعد معرفت‌شناختی بر بعد عمل‌شناختی در این تعریف، مستقیم و خطی است، بدین معنا که

1. Review of Detention Policy Options

نشئت گرفته از معرفت‌شناسی انتقادی در مطالعات امنیتی (از نوع مکتب فرانک‌فورتی در روابط بین‌الملل)، امنیت و تهدید مفاهیمی بیناذهنی (منبعث از جهان‌بینی تصمیم‌گیرندگان و دست‌اندرکاران امنیتی) تعریف می‌گردد که بسته به جهان‌بینی خود، آن را به شیوه مدنظر خود تعریف می‌کنند و به‌منظور ایجاد و حفظ امنیت از روش‌های مدنظر خود استفاده می‌نمایند.

جدول شماره هشت: تحلیل تأثیر بعد معرفت‌شناختی تعریف سوم امنیت بر بعد عمل‌شناختی

رویکرد معرفت‌شناختی	انتقادی (از نوع مکتب فرانکفورت در روابط بین‌الملل - به تعبیر مارک هافمن، تفسیر گرایی انتقادی)
تأثیر بعد معرفت‌شناسی بر تعریف امنیت	ارائه تعریفی بیناذهنی از امنیت، منبعث از جهان‌بینی تصمیم‌گیرندگان امنیتی، ضمن باور به این گزاره که شناخت و قدرت یکدیگر را ایجاد می‌نمایند
تعریف امنیت (امنیت چیست؟)	امنیت یک مفهوم اشتقاقی (اقتباسی) است
عامل تهدید‌کننده امنیت	این جهان‌بینی تصمیم‌گیرندگان امنیتی است که تهدید امنیتی را تعریف می‌کند
پیامد	تصمیم‌گیرندگان امنیتی بر اساس جهان‌بینی خود امنیت (و تهدید) را تعریف می‌کنند و در نتیجه جهان‌بینی متفاوت منجر به تعریف متفاوت امنیت (و تهدید) می‌گردد
مصادق/نمونه	تعریف متفاوت امنیت (و تهدید) توسط آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای و ترامپ - شی و بایدن
روش ایجاد و حفظ امنیت	نشئت گرفته از جهان‌بینی تصمیم‌گیرندگان و دست‌اندرکاران امنیتی
چه کنش و کرداری برای حفظ و ایجاد امنیت لازم است؟	روش‌های ایجاد و حفظ امنیت از جهان‌بینی تصمیم‌گیرندگان و دست‌اندرکاران امنیتی نشئت می‌گیرد. ممکن است تصمیم‌گیرندگان و دست‌اندرکاران امنیتی در یک کشور به‌منظور مقابله با یک تهدید متوسل به جنگ و ترور شوند و تصمیم‌گیرندگان و دست‌اندرکاران امنیتی در کشور دیگر (با جهان‌بینی متفاوت) به‌منظور مقابله با همان تهدید از دیپلماسی یا تحریم استفاده کنند.
تأثیر بعد معرفت‌شناختی بر بعد عمل‌شناختی	مستقیم و خطی (امنیت مفهومی اشتقاقی (اقتباسی) است و به‌منظور ایجاد و حفظ امنیت باید از روش‌های مختلف (منبعث از جهان‌بینی تصمیم‌گیرندگان امنیتی) استفاده نمود)

(نگارندگان)

نمونه‌ای که بتوان به‌عنوان کنش مرتبط با این تعریف ذکر نمود، نگاه متفاوت مقامات ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران به امنیت غرب آسیا (خاورمیانه) نشئت گرفته از جهان‌بینی متفاوت آن‌ها است که

نشان می‌دهد شیوه اندیشیدن درباره امنیت، از شیوه اندیشیدن درباره جهان مشتق می‌شود.

سوم ژانویه ۲۰۲۰ (۱۳ دی‌ماه ۱۳۹۸)، ساعاتی پس از ترور شهیدای والامقام حاج قاسم سلیمانی، ابومهدی المهندس و دیگر همراهان، «دانلد جی. ترامپ»، چهل و پنجمین رئیس‌جمهور ایالات متحده طی سخنانی در پالم‌بیچ فلوریدا^۱ اظهار داشت: «ما دیشب در راستای توقف یک جنگ اقدام کردیم. ما اقدامی برای شروع جنگ نکردیم»^۲. وی در ادامه سخنرانی خود عنوان نمود: «سلیمانی در ۲۰ سال گذشته برای بی‌ثبات کردن خاورمیانه دست به اقدامات تروریستی زده است. آنچه که ایالات متحده دیروز انجام داد باید خیلی پیش‌تر انجام می‌شد»^۳ (Trump, January 03, 2020). به عبارت دیگر، «ترامپ» قصد داشت با ترور شهید والامقام حاج قاسم سلیمانی که میهمان رسمی دولت عراق بود، امنیت را در خاورمیانه برقرار سازد. پنج روز پس‌ازین ترور و در تاریخ ۱۸ دی ۱۳۹۸، پایگاه نیروهای آمریکایی در عین‌الاسد عراق هدف ۱۳ فروند موشک بالستیک جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت و برخلاف پیش‌بینی «ترامپ»، خاورمیانه برای آمریکایی‌ها بسیار ناامن گردید و دو کشور تا آستانه یک جنگ پیش رفتند.

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در خطبه‌های نماز جمعه ۲۷ دی‌ماه ۱۳۹۸ درباره وقایع رخ داده فرمودند: «عکس‌العمل و واکنش قدرتمندانه سپاه طرف دیگر قضیه است، آن‌هم درخور تدبیر است. این ضربه به آمریکا بود؛ البته ضربه نظامی بود، ضربه مؤثر نظامی بود؛ اما مهم‌تر و بالاتر از ضربه نظامی، ضربه حیثیتی بود، ضربه به هیبت ابرقدرتی آمریکا بود» ایشان هم‌چنین عنوان نمودند: «در این حادثه امپراتوری خبری صهیونیسم در همه دنیا سعی کردند سردار بزرگوار عزیز ما را متهم کنند به تروریست... خدای متعال صفحه را درست به عکس آنچه که آن‌ها می‌خواستند ترتیب داد؟ نه فقط در این‌جا در ایران، در کشورهای مختلف مردم به روح این شهید بزرگ درود فرستادند و پرچم آمریکا و صهیونیست‌ها را آتش زدند». حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه بیانات اظهار داشتند: «... خود این شهادت هم یکی از آیات قدرت الهی است؛ رسوایی دولت آمریکا، دولت بی‌آبروی آمریکا، رسوایی این دولت را رقم زد؛ این‌ها کسی را که سرشناس‌ترین و قوی‌ترین فرمانده مبارزه با تروریسم بود - شهید سلیمانی که به معنای واقعی کلمه، قوی‌ترین فرمانده مبارزه با تروریسم در این منطقه است را ترور کردند» (سایت مقام معظم رهبری، دی ۱۳۹۸، ۲۷).

ملاحظه می‌گردد که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و «دانلد جی. ترامپ» نگاهی کاملاً متفاوت و متضاد به یک پدیده واحد یعنی «امنیت» خاورمیانه دارند. این موضوع در مورد بسیاری از رهبران دیگر جهان نیز صدق می‌کند. در دوران جنگ سرد رهبران ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی نگاه کاملاً متفاوتی به موضوع «امنیت» و «تهدید» داشتند. اکنون نیز رهبران ایالات متحده و جمهوری خلق چین نگاهی کاملاً متفاوت به موضوع «امنیت» و «تهدید» دارند. به عنوان یک مثال عینی و ملموس دیگر،

1. Palm Beach, Florida

2. We took action last night to stop a war. We did not take action to start a war.

3. Soleimani has been perpetrating acts of terror to destabilize the Middle East for the last 20 years. What the United States did yesterday should have been done long ago.

رهبران ایالات متحده و فدراسیون روسیه نگاه کاملاً متفاوتی به موضوع «امنیت» (پیوستن یا نپیوستن اوکراین به ناتو و جنگ روسیه-اوکراین) دارند. علت را باید در جهان‌بینی متفاوت این مقامات جست‌وجو نمود.

۴-۴) تأثیر معرفت‌شناسی بر تعریف چهارم از مفهوم «امنیت» و کنش امنیتی مرتبط: سرکوب حامیان ترامپ و سرکوب معترضان جلیقه زرد در ایالات متحده و فرانسه به نام امنیت ایالات متحده و فرانسه امنیت یک کنش گفتاری است. زمانی که سیاست‌مداران، تصمیم‌گیرندگان و دست‌اندرکاران امنیتی این تعریف را می‌پذیرند و مبنا قرار می‌دهند، کنش‌ها و کردارهای امنیتی خود را بر اساس امنیتی کردن و غیر امنیتی کردن پدیده‌ها و رویدادها تنظیم می‌نمایند. به صورت خلاصه باید گفت که بازیگران امنیتی کننده (عمدتاً دولت‌ها و کارگزاری‌های امنیت) به واسطه امنیتی کردن یک موضوع خاص (خواه واقعاً تهدید باشد خواه نباشد)، این حق را برای خود قائل می‌شوند تا به نام امنیت از تمهیدات و ابزارهای غیرعادی برای مقابله با آن موضوع استفاده نمایند یا قواعد کشور را نقض نمایند، زیرا موضوع بقا نقطه‌ای بدون بازگشت است که هیچ‌گونه تعللی در آن جایز نیست و از این رو، قابل دفاع نیست که مقابله با آن موضوع را به سیاست عادی و روزمره واگذار نمود. سیاست عادی و روزمره محل بحث، گفت‌وگو (دیالوگ) و جدل دیدگاه‌های مختلف سیاسی است و از این رو، سیاست‌گذاری در حوزه سیاست امری وقت‌گیر بوده، باید پس از بحث‌ها و گفت‌وگوهای مفصل انجام شود و بدون اقناع نسبی مردم و نخبگان میسر نیست، لکن در موضوع «امنیت»، بازیگران امنیتی کننده (به نمایندگی از جامعه و نخبگان) باید بدون اتلاف و فوت وقت تصمیم بگیرند و عمل نمایند، زیرا موضوع بقا نقطه‌ای بدون بازگشت است که هیچ‌گونه تعللی در آن جایز نیست؛ بنابراین، معرفت‌شناسی انتقادی در مطالعات امنیتی (از نوع تفسیرگرا در روابط بین‌الملل)، موجب می‌گردد که امنیت به عنوان «یک کنش گفتاری» تعریف گردد. در نتیجه، به منظور ایجاد و حفظ امنیت، بازیگران امنیتی کننده باید تمامی موضوعاتی را که لازم می‌دانند از طریق روش‌های هدایت افکار عمومی (روش‌های گفتاری-تبلیغاتی) امنیتی کنند. وقتی موضوعی امنیتی گردید و افکار عمومی نیز آن را پذیرفت، آن‌گاه بازیگر امنیتی کننده به نام امنیت از تمهیدات و ابزارهای غیرعادی (نظیر ایجاد جنگ، بودجه بالای نظامی، فروش تسلیحات به متحدان و دامن‌زدن به مسابقه تسلیحاتی و هر کاری که لازم بداند) استفاده می‌نماید. در مجموع، تأثیر بعد معرفت‌شناختی بر بعد عمل‌شناختی در این تعریف، مستقیم و خطی است.

جدول شماره نه: تحلیل تأثیر بعد معرفت‌شناختی تعریف چهارم امنیت بر بعد عمل‌شناختی

رویکرد معرفت‌شناختی	انتقادی (در معنای رایج در مطالعات امنیتی - از نوع تفسیرگرا در روابط بین‌الملل)
تأثیر بعد معرفت‌شناسی بر تعریف امنیت	ارائه تعریفی بیناذهنی از امنیت (منبعث از امنیتی کردن و غیر امنیتی کردن پدیده‌ها و رویدادها)

رویکرد معرفت‌شناختی	انتقادی (در معنای رایج در مطالعات امنیتی - از نوع تفسیر‌گرا در روابط بین‌الملل)
تعریف امنیت (امنیت چیست؟)	امنیت یک کنش گفتاری است
عامل تهدید‌کننده امنیت	بازیگر امنیتی‌کننده مشخص می‌کند چه چیزی تهدید است. (خواه واقعاً تهدید باشد خواه نباشد.)
پیلمد	به نام امنیت از تمهیدات و ابزارهای غیرعادی برای مقابله با یک موضوع خاص (خواه واقعاً تهدید باشد خواه نباشد). استفاده می‌شود.
مصدق/نمونه	امنیتی کردن تظاهرات حامیان ترامپ در ایالات متحده و معترضان جلیقه زرد در فرانسه و سرکوب شدید آن‌ها به نام امنیت
روش ایجاد و حفظ امنیت	امنیتی کردن و غیر امنیتی کردن پدیده‌ها و رویدادها
چه کنش و کرداری برای حفظ و ایجاد امنیت لازم است؟	وقتی موضوعی امنیتی گردید و افکار عمومی نیز آن را پذیرفت، (امنیتی کردن نتیجه‌بخش)، آن‌گاه بازیگر امنیتی‌کننده به نام امنیت از تمهیدات و ابزارهای غیرعادی (نظیر ایجاد جنگ، بودجه بالای نظامی، فروش تسلیحات به متحدان و دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی، ارائه کمک‌های نظامی به متحدان و هر کاری که لازم بداند). استفاده می‌نماید.
تأثیر بعد معرفت‌شناختی بر بعد عمل‌شناختی	مستقیم و خطی (امنیت یک کنش گفتاری است که به‌منظور ایجاد و حفظ امنیت، بازیگران امنیتی‌کننده باید تمامی موضوعاتی را که لازم می‌دانند از طریق روش‌های هدایت افکار عمومی (روش‌های گفتاری-تبلیغاتی) امنیتی کنند).

(نگارندگان)

نمونه‌ای که بتوان به‌عنوان کنش مرتبط با این تعریف ذکر نمود، سرکوب حامیان ترامپ و سرکوب معترضان جلیقه زرد در ایالات متحده و فرانسه (به‌عنوان دو کشور مدعی دموکراسی و آزادی بیان) به نام امنیت ایالات متحده و فرانسه است که نشان می‌دهد همه دولت‌ها (ازجمله دولت‌های مدعی دموکراسی) به خود اجازه می‌دهند که به نام امنیت هر کاری ازجمله سرکوب و کشتار معترضان انجام دهند. با در نظر گرفتن امنیت به‌عنوان یک کنش گفتاری، صرف هر نوع هزینه‌ای بابت امنیت و به نام امنیت مجاز می‌گردد، فقط کافی است موضوعی توسط بازیگران امنیتی‌کننده امنیتی شود. ششم ژانویه ۲۰۲۱ (۱۷ دی ۱۳۹۹) تعدادی از حامیان ترامپ که جمعیت آن‌ها در حدود ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ نفر تخمین زده می‌شد، به ساختمان کنگره موسوم به «کپیتال» در «کپیتال هیل»^۱ یورش بردند. این عده که به نتایج انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۲۰ معترض بودند با عبور از موانع حفاظتی در جلوی ساختمان «کپیتال»، وارد کنگره ایالات متحده شدند، درحالی که نمایندگان سرگرم شمارش آرای الکتروال کالج دو نامزد انتخابات ریاست جمهوری، یعنی ترامپ و بایدن بودند. معترضان موفق شدند برای ساعاتی بخش‌هایی از ساختمان

1. Capitol Hill

را اشغال نمایند. در جریان این حمله چهار نفر از حامیان ترامپ از جمله خانم «اشلی بابیت» ۳۵ ساله توسط نیروهای امنیتی کشته شدند (Politico, January 6, 2021). شهردار شهر واشینگتن، «میورل بوزر»^۱ از ساعت ۶ به وقت محلی مقررات منع آلوده‌شد در سطح شهر را اعمال نمود (New York Times, January 6, 2021). به‌منظور جلوگیری از تکرار وقایع مشابه، پس‌ازاین رویداد و در یک اقدام کم‌سابقه تعداد ۲۶ هزار نفر از نیروهای گارد ملی ارتش ایالات‌متحده در ساختمان «کپیتال» مستقر شدند (تا چهار ماه بعد). ضمن آن‌که جمع زیادی از معترضان هم در روز ۶ ژانویه و هم پس‌ازآن بازداشت شدند و با احکام سنگین قضایی مواجه شدند.

مورد مشابه دیگر، اعتراضات جلیقه زردها^۲ در پاریس بود که نیروهای امنیتی به‌منظور مقابله با آن جمع زیادی از معترضان را بازداشت نمودند و تعداد دیگری از معترضان را نیز کشتند یا مجروح نمودند. جلیقه زردها یک جنبش اعتراضی در فرانسه (عمدتاً شهر پاریس و بعضاً شهرهای بوردو و تولوز) بود که در ابتدا حول اعتراض به افزایش قیمت سوخت و افزایش مالیات‌ها ایجاد شد و در ادامه اعتراض خود را متوجه سیاست‌های دولت مکرون نمودند. مطابق آمار رسمی تا پایان ژانویه ۲۰۱۹ تعداد ۱۹۰۰ نفر از معترضان در کمتر از سه ماه از زمان آغاز اعتراضات مجروح شدند. شبکه خبری «فرنس ۲۴» در گزارش خبری خود این آمار رسمی را زیر سؤال برد و تخمین زد که تعداد معترضان آسیب‌دیده ممکن است دو برابر آمار رسمی باشد. در بین قربانیان چندین روزنامه‌نگار نیز قرار داشتند که برخی از آن‌ها مورد اصابت گلوله‌های پلیاستیکی پلیس^۳ قرارگرفته بودند (Mazoue, January 30, 2019). مطابق آماری که توسط منابع دیگر اعلام گردید تا ماه می ۲۰۱۹ (تقریباً هشت ماه پس از آغاز اعتراضات) در اثر شلیک گلوله‌های پلیاستیکی، نارنجک‌های متفرق‌کننده جمعیت^۴ و افشانه‌های فلفل^۵ تعداد یازده نفر از معترضان کشته شدند و ۲ هزار نفر مجروح شدند. در میان مجروحان، ۵ نفر قطع عضو (قطع دست) شدند و ۲۳ نفر بینایی خود را از دست دادند. در میان مجروحان هم‌چنین تعداد ۹۵ نفر از روزنامه‌نگاران، ۴۰ دانش‌آموز دبیرستانی و ۳۰ داوطلب ارائه خدمات بهداشتی به چشم می‌خوردند. در جریان اعتراضات جلیقه زردها، هم‌چنین ۱۴۵ مورد توهین و نقض آزادی مطبوعات توسط پلیس فرانسه^۶ ثبت گردید. مضاف بر این، کریستف کاستانر، وزیر کشور فرانسه^۷ اظهار داشت که واحد تحقیقات پلیس ملی^۸، ۲۲۰ پرونده تحقیقات جنایی را به ظن خشونت پلیس علیه تظاهرکنندگان گشوده است (Ozcan, May 3, 2019).

ملاحظه می‌شود در دو کشوری که داعیه‌دار آزادی بیان، آزادی اعتراض و آزادی پس از بیان هستند به

1. Muriel Bowser
2. Yellow Vest protests
3. rubber bullets fired by police
4. "dispersal" grenades
5. Pepper Spray
6. acts of insult and violation of press freedom by French police
7. French Interior Minister Christophe Castaner
8. National Police Investigation Unit (IGPN)

نام «امنیت»، معترضان سرکوب، کشته، بازداشت و حتی قطع عضو می‌شوند. در تمامی کشورهای جهان نیز دولت‌ها به خود اجازه می‌دهند که به نام «امنیت» سلسله اقداماتی را انجام دهند و در این خصوص تفاوتی بین کشورهای توسعه‌یافته/ در حال توسعه، دموکرات/ اقتدارگرا و ... وجود ندارد.

۴-۵) تأثیر معرفت‌شناسی بر تعریف پنجم از مفهوم «امنیت» و کنش امنیتی مرتبط: نگرانی مردم ایالات متحده نسبت به تسلیحات هسته‌ای کره شمالی و عدم نگرانی آن‌ها از بابت تسلیحات هسته‌ای اسرائیل

امنیت چیزی است که ما از آن می‌فهمیم یا اصطلاحاً آن را می‌سازیم. یک پدیده هم‌آیند یا پدیدار به‌صورت بیناذهنی ایجاد شده است. جهان‌بینی‌ها و گفتارهای مختلف درباره سیاست، حامل دیدگاه‌ها و گفتارهای مختلفی درباره امنیت هستند. توضیحات این تعریف عیناً مطابق تعریف سوم از امنیت (امنیت یک مفهوم اشتقاقی یا اقتباسی است) و جدول شماره هشت است.

نمونه‌ای که بتوان به‌عنوان کنش مرتبط با این تعریف ذکر نمود، نگرانی مردم ایالات متحده نسبت به تسلیحات هسته‌ای کره شمالی و عدم نگرانی آن‌ها از بابت تسلیحات هسته‌ای رژیم صهیونیستی است که نشان می‌دهد امنیت یک پدیده ثانویه ذهنی است که ناشی از یک پدیده عینی یا همراه آن (در این‌جا تسلیحات هسته‌ای یک کشور دشمن/دوست) است که توسط (اکثریت) مردم در یک دوره زمانی و مکانی خاص ساخته‌وپرداخته و در نتیجه پذیرفته می‌شود؛ بنابراین، از آن‌جا که (اکثریت) مردم ایالات متحده، کره شمالی را به‌عنوان یک کشور دشمن ساخته‌وپرداخته نموده‌اند، پس با توجه به هم‌آیند یا پدیدار بودن «امنیت»، تسلیحات هسته‌ای کره شمالی را نیز به‌عنوان یک تهدید می‌بینند و می‌پذیرند و از آن‌جا که (اکثریت) مردم ایالات متحده، رژیم صهیونیستی را به‌عنوان یک کشور دوست ساخته‌وپرداخته نموده‌اند، پس با توجه به هم‌آیند یا پدیدار بودن «امنیت»، تسلیحات هسته‌ای رژیم صهیونیستی را نیز به‌عنوان یک موضوع غیرتهدیدآمیز (امنیت) می‌بینند و می‌پذیرند.

یافته‌های نظرسنجی «مرکز تحقیقات پیو»^۱ نشان می‌دهد که ۷۸ درصد مردم ایالات متحده دیدگاه نامطلوبی نسبت به کره شمالی دارند (۶۱ درصد مردم ایالات متحده دیدگاه بسیار نامطلوبی نسبت به کره شمالی دارند) و تنها ۱۲ درصد مردم ایالات متحده دارای دیدگاه مطلوبی نسبت به کره شمالی هستند (شکل شماره سه). مطابق همین نظرسنجی، ۶۵ درصد مردم ایالات متحده (تقریباً دوسوم آنان) در مورد بمب هسته‌ای کره شمالی بسیار نگران هستند. ۶۴ درصد از مردم ایالات متحده معتقد هستند که در صورت بروز منازعه جدی میان یکی از متحدان آسیایی ایالات متحده با کره شمالی، ایالات متحده باید به‌منظور حمایت از آن متحد از زور استفاده نماید (شکل شماره دو) (Poushter, April 5, 2017).

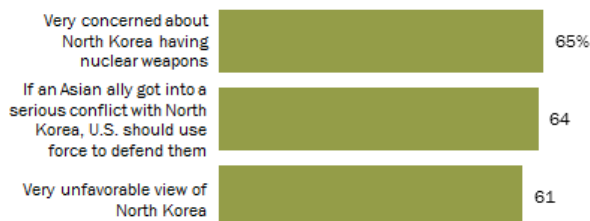
نتایج نظرسنجی دیگر «مرکز تحقیقات پیو» نشان می‌دهد که نگرانی‌ها در مورد مسئله کره شمالی هم در میان جمهوری‌خواهان و هم در میان دموکرات‌های ایالات متحده افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۳،

پنجاه‌وشش درصد کل مردم (میانگین دیدگاه جمهوری خواهان و دموکرات‌ها) معتقد بودند که ایالات متحده باید تهدید کره شمالی در مورد استفاده از تسلیحات هسته‌ای علیه ایالات متحده را بسیار جدی بگیرد. این میزان در اکتبر ۲۰۱۷ به هفتادویک درصد افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۳، چهل‌وهفت درصد کل مردم (میانگین دیدگاه جمهوری خواهان و دموکرات‌ها) معتقد بودند که رهبری کره شمالی واقعاً تمایل دارد تا مسیر تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای علیه ایالات متحده را دنبال نماید. این میزان در اکتبر ۲۰۱۷ به شصت‌وپنج درصد افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۳، چهل‌وهفت درصد کل مردم (میانگین دیدگاه جمهوری خواهان و دموکرات‌ها) معتقد بودند که کره شمالی قادر به پرتاب موشک هسته‌ای است که می‌تواند به خاک ایالات متحده برسد. این میزان در اکتبر ۲۰۱۷ به شصت‌وسه درصد افزایش یافته است (Bialik, June 11, 2018).

آمار فوق نشان می‌دهد که دیدگاه نامطلوب مردم ایالات متحده نسبت کره شمالی موجب افزایش نگرانی‌ها در خصوص تسلیحات هسته‌ای کره شمالی شده است؛ بنابراین، اگر اکثریت مردم یک کشور (جنبه مکانندی) در یک دوره زمانی خاص (جنبه زمانندی)، یک موضوع یا پدیده یا یک کشور را به صورت بینادهنی به‌عنوان تهدید (امنیت) بپذیرند، پس در مورد تسلیحات هسته‌ای آن کشور نیز نگرانی (عدم نگرانی) خواهند داشت.

در مورد تسلیحات هسته‌ای رژیم صهیونیستی نیز این موضوع صدق می‌نماید. مطابق یافته‌های نظرسنجی موسسه ADL در سال ۲۰۱۳، هفتادوشش درصد مردم ایالات متحده، رژیم صهیونیستی را یک متحد نزدیک ایالات متحده قلمداد می‌نمایند. در نظرسنجی سال ۲۰۰۹ این موسسه، شصت‌وهفت درصد مردم ایالات متحده، رژیم صهیونیستی را به‌عنوان یک متحد نزدیک ایالات متحده معرفی نموده بودند (ADL, November 5, 2013). بدیهی است در چنین شرایطی که اکثریت مردم ایالات متحده، رژیم صهیونیستی را به‌عنوان یک متحد نزدیک (منشأ امنیت) می‌پندارند، نگرانی خاصی در مورد تسلیحات هسته‌ای رژیم صهیونیستی نخواهند داشت.

Americans are very concerned about North Korea's nuclear weapons, say U.S. should defend Asian allies



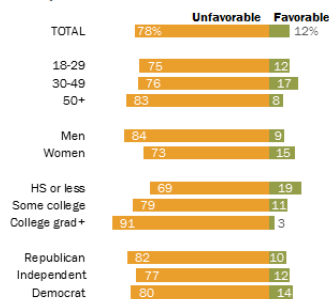
Source: Spring 2017 Global Attitudes Survey. Q12p, Q55b & Q56.

PEW RESEARCH CENTER

شکل شماره سه: نگرانی بسیار زیاد مردم ایالات متحده نسبت به تسلیحات هسته‌ای کره شمالی
(Poushter, April 5, 2017)

Overwhelmingly negative opinions of North Korea among Americans

Views of North Korea



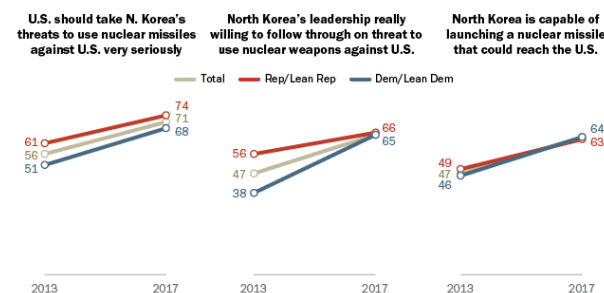
Source: Spring 2017 Global Attitudes Survey. Q12p.

PEW RESEARCH CENTER

شکل شماره چهار: دیدگاه به شدت منفی نسبت به کره شمالی در میان مردم ایالات متحده
(Poushter, April 5, 2017)

Rising concern over North Korea among both Republicans and Democrats in U.S.

% who say ...



Source: Survey conducted Oct. 25-30, 2017.

PEW RESEARCH CENTER

شکل شماره پنج: افزایش نگرانی در مورد مسئله کره شمالی در میان جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها

(Bialik, June 11, 2018)

۴-۶) تأثیر معرفت‌شناسی بر تعریف ششم از مفهوم «امنیت» و کنش امنیتی مرتبط: اظهارات ترامپ در خصوص لزوم مسلح شدن معلمان در ایالات متحده برای امنیت داشتن به‌جای ممنوع نمودن حمل سلاح امنیت یک فناوری اجتماع است که مرزهای درون و برونگذاری را تنظیم می‌کند. زمانی که سیاست‌مداران، تصمیم‌گیرندگان و دست‌اندرکاران امنیتی این تعریف را می‌پذیرند و مبنا قرار می‌دهند، کنش‌ها و کردارهای امنیتی خود را به نحوی تنظیم می‌کنند تا بخشی از افراد جامعه در شمول و در زیر چتر امنیت قرار گیرند و پاره‌ای دیگر از افراد جامعه خارج از دایره شمول امنیت قرار گیرند؛ بنابراین، معرفت‌شناسی اثبات‌گرایانه (پازیتیویستی) که دغدغه اصلی آن «کنترل» است و بر عینی‌گرایی تأکید دارد، موجب می‌گردد که امنیت به‌صورت «یک فناوری اجتماع که مرزهای درون و برونگذاری را تنظیم می‌کند» تعریف گردد؛ یعنی هدف اصلی، «کنترل» جامعه (محیط داخلی) و محیط خارجی از طریق رصد و پایش مردم و دولت‌ها است تا عده‌ای از مردم هم‌سو و دولت‌های متحد (از حیث ایدئولوژیک، نژادی، قومی، زبانی، فرهنگی و امثالهم) امنیت داشته باشند و عده‌ای دیگر امنیت نداشته باشند. در این راستا، معرفت‌شناسی اثبات‌گرایانه (پازیتیویستی) موجب ارائه یک تعریف عینی از امنیت می‌گردد و امنیت به‌مثابه یک مرز عمل می‌کند که خودی‌ها در درون آن و غیرخودی‌ها بیرون از آن قرار می‌گیرند. در مجموع، تأثیر بعد معرفت‌شناختی بر بعد عمل‌شناختی در این تعریف، مستقیم و خطی است، بدین معنا که نشئت گرفته از معرفت‌شناسی اثبات‌گرایانه، امنیت، مفهومی کنترلی تعریف می‌گردد که به‌منظور ایجاد و حفظ امنیت باید از روش‌های عینی استفاده نمود.

جدول شماره ده: تحلیل تأثیر بُعد معرفت‌شناختی تعریف ششم امنیت بر بُعد عمل‌شناختی

اثبات‌گرایانه (پازیتیویستی)	رویکرد معرفت‌شناختی
ارائه تعریف کنترل‌گرایانه از امنیت (امنیت به مثابه یک مرز عمل می‌کند)	تأثیر بُعد معرفت‌شناسی بر تعریف امنیت
امنیت یک فناوری اجتماع است که مرزهای درون و برون‌گذاری را تنظیم می‌کند.	تعریف امنیت (امنیت چیست؟)
غیرخودی‌ها	عامل تهدیدکننده امنیت
در محیط داخلی (جامعه) و محیط خارجی (نظام بین‌الملل)، مردم و دولت‌ها به دودسته خودی و غیرخودی تقسیم می‌شوند که خودی‌ها باید در امنیت باشند (درون‌گذاری) و غیرخودی‌ها نباید امنیت داشته باشند. (برون‌گذاری)	پیامد
عدم تصویب ممنوعیت حمل سلاح در ایالات متحده	مصادق/نمونه
روش‌های کنترل‌گرایانه (اگر خودی‌ها در امنیت باشند گویی همه در امنیت هستند).	روش ایجاد و حفظ امنیت
انجام اقدامات و کنش‌های سخت‌افزاری و عینی در راستای امنیت خودی‌ها	چه کنش و کرداری برای حفظ و ایجاد امنیت لازم است؟
مستقیم و خطی (امنیت مفهومی عینی است و به‌منظور ایجاد و حفظ امنیت باید از روش‌های عینی برای امنیت داشتن خودی‌ها استفاده نمود).	تأثیر بُعد معرفت‌شناختی بر بُعد عمل‌شناختی

(نگارندگان)

نمونه‌ای که بتوان به‌عنوان کنش مرتبط با این تعریف ذکر نمود، اظهارات ترامپ در خصوص لزوم مسلح شدن معلمان در ایالات متحده برای امنیت داشتن به‌جای ممنوع نمودن حمل سلاح است که نشان می‌دهد دولت می‌تواند مشخص نماید که چه کسانی در یک جامعه باید امنیت داشته باشند (درون‌گذاری) و چه کسانی نباید امنیت داشته باشند (برون‌گذاری). در این نمونه، دولت ترامپ به‌جای ممنوعیت حمل سلاح (به دلایل مختلف از جمله لابی کارخانه‌های اسلحه‌سازی)، با بهره‌گیری از فناوری اجتماع، دارندگان سلاح را درون‌گذاری می‌کند و آنان (حتی اگر معلم باشند) را تشویق و تشجیع می‌نماید که برای امنیت داشتن اسلحه به دست گیرند. در مقابل، با بهره‌گیری از فناوری اجتماع، افرادی که سلاح ندارند را برون‌گذاری می‌کند و به آنان (حتی اگر معلم باشند) اعلام می‌نماید که چون اسلحه ندارند و نمی‌توانند تا رسیدن پلیس در مقابل مهاجم یا مهاجمان مسلح مقاومت نمایند، پس امنیت نخواهند داشت. حال فرض کنیم که ترامپ، با بهره‌گیری از فناوری اجتماع، برخلاف منافع کارخانه‌های اسلحه‌سازی عمل نماید و حمل سلاح را برای همه ممنوع اعلام کند. در چنین شرایطی افراد فاقد سلاح در دایره شمول یا درون‌گذاری امنیت قرار می‌گیرند و افراد حمل‌کننده سلاح در دایره طرد یا برون‌گذاری امنیت قرار می‌گیرند و بازداشت و زندانی

می‌شوند. مثال زیر به صورت واضح و مبهرن نحوه درون‌گذاری و برون‌گذاری افراد جامعه در دایره امنیت توسط دولت ایالات متحده را نشان می‌دهد.

۱۴ فوریه ۲۰۱۸ (۲۵ بهمن ۱۳۹۶)، «نیکلاس کروز» ۱۹ ساله که دانش‌آموز سابق دبیرستان استونمن داگلاس در پارکلند ایالت فلوریدا^۱ بود، با اسلحه نیمه خودکار AR-15 خود وارد دبیرستان شد و دانش‌آموزان و کارمندان دبیرستان را به رگبار بست. در جریان این حادثه هولناک ۱۷ نفر کشته و ۱۷ نفر زخمی شدند (Laughland, Luscombe & Yuhas, February 15, 2018). اگرچه این تیراندازی فجیع، بیست و پنجمین مورد از تیراندازی‌های مرگ‌بار در مدارس ابتدایی، راهنمایی و متوسطه ایالات متحده بود، لکن به استناد آمار شبکه «فاکس نیوز» در زمره ده تیراندازی مرگ‌بار در تاریخ مدرن ایالات متحده قرار گرفت. با بهره‌گیری از آمار تارنمای شبکه «فاکس نیوز»، در این بخش به سه مورد از مرگ‌بارترین تیراندازی‌ها (که خارج از محیط مدرسه رخ داده)، اشاره می‌گردد: اول اکتبر ۲۰۱۷ (۹ مهرماه ۱۳۹۶) در جریان تیراندازی «استفان پادک» در شهر لاس‌وگاس ۵۸ نفر کشته و بیش از ۵۲۰ نفر زخمی شدند. ۱۲ ژوئن ۲۰۱۶ (۲۳ خردادماه ۱۳۹۵) در جریان تیراندازی در یک کلوپ شبانه هم‌جنس‌بازان در اورلاندو^۲، ۴۹ نفر کشته و بیش از ۵۰ نفر دیگر زخمی شدند. ۱۶ آوریل ۲۰۰۷ (۲۷ فروردین ۱۳۸۶)، «ستونگ هوئی چو»^۳، دانشجوی دانشگاه ویرجینیا تک، در دو حمله جداگانه ۳۲ نفر را به قتل رساند و سپس با شلیک گلوله به مغز خود به زندگی خود خاتمه داد (Earl & Schallhorn, February 19, 2018).

پرسشی که در این بخش بر ذهن متبادر می‌گردد آن است که تدبیر مقامات سیاسی-امنیتی ایالات متحده برای ایجاد امنیت در چنین شرایطی چیست؟ قطعاً در وهله نخست، ممنوعیت حمل سلاح بر ذهن متبادر می‌گردد؛ اما علی‌رغم این تلفات بالا، حمل سلاح به دلایل متعدد اقتصادی-سیاسی-فرهنگی (از جمله لابی قدرتمند کارخانه‌های اسلحه‌سازی) در دولت‌های جمهوری‌خواه و دموکرات ایالات متحده ممنوع اعلام نمی‌شود. دولت «ترامپ» تلاش داشت تا به واسطه ارائه راهکار حمل سلاح توسط معلمان و دیگر اقدشار جامعه به پرسش فوق پاسخ دهد. «ترامپ» در ۲۱ فوریه ۲۰۱۸ (۲ اسفند ۱۳۹۶) یک هفته پس از جنایت دبیرستان استونمن داگلاس در پارکلند فلوریدا در جلسه‌ای که در خصوص راهکارهای حفظ ایمنی مدارس و مقابله با خشونت‌های مسلحانه برگزار شد، پیشنهاد مسلح شدن معلمان و مربیان و حتی آموزش تیراندازی به آن‌ها را مطرح نمود. وی اظهار داشت: برداشت و تصور شما - که به آن حمل مخفیانه سلاح^۴ گفته می‌شود - فقط درجایی کاربرد دارد که افرادی بسیار ماهر در استفاده از سلاح گرم^۵ وجود داشته باشند که اکنون تعداد زیادی از آن‌ها را دارید و آن‌ها معلمان و مربیان هستند. در ماجرای دبیرستان

1. Stoneman Douglas high school in Parkland, Florida

2. a gay Orlando nightclub

3. Seung-Hui Cho

4. concealed carry

5. very adept at using firearms

استونمن داگلاس آن مربی که بسیار شجاع بود، وقتی به سمت مرد ضارب دوید، اگر یک اسلحه در کمد خود داشت، به گمان من جان افراد زیادی را نجات می‌داد. اگر او سلاح گرم داشت، مجبور به فرار نمی‌شد. او شلیک می‌کرد و این پایان کار بود؛ و بدیهی است که این پیشنهاد فقط برای افرادی کاربرد دارد که در کار با سلاح بسیار ماهر هستند؛ و این همان چیزی می‌شود که به آن حمل مخفیانه سلاح گفته می‌شود و جایی معنا می‌یابد که یک معلم به‌صورت مخفیانه یک تفنگ بر روی کمر خود داشته باشد. باید برای آن‌ها آموزش ویژه ترتیب داده شود؛ و این معلمان آموزش‌دیده آن‌جا خواهند بود و شما دیگر نیازی به منطقه عاری از سلاح^۱ نخواهید داشت. منطقه عاری از سلاح برای یک ضارب دیوانه حالت ایدئال است؛ چون همه آن‌ها یعنی مهاجمان ترسو هستند. آن‌ها با خود خواهند گفت که منطقه عاری از سلاح است، پس بیایید وارد شویم و حمله کنیم؛ زیرا گلوله‌ها به سمت ما برمی‌گردند و کسی نیست که در مقابل ما قرار داشته باشد... یک حمله به‌طور متوسط حدود سه دقیقه طول می‌کشد. پنج تا هشت دقیقه طول می‌کشد تا نیروهای پلیس وارد عمل شوند؛ بنابراین حمله ضارب تمام‌شده است. اگر معلمی داشته باشید که در استفاده از سلاح گرم مهارت داشته باشد، می‌تواند خیلی سریع حمله ضارب را پایان دهد (Trump, February 21, 2018).

مطابق اظهارات «ترامپ»، برای امنیت داشتن در ایالات متحده هم مهاجم و هم مدافع باید سلاح داشته باشند. اگر کسی سلاح نداشته باشد تا بتواند قبل از رسیدن پلیس در مقابل مهاجم مسلح مقاومت نماید، پس امنیت نخواهد داشت. پس «ترامپ» (و حتی دیگر روسای جمهور ایالات متحده) این‌گونه استدلال و پس‌از آن سیاست‌گذاری می‌نمایند که در دایره امنیت، دارندگان سلاح در حالت شمول یا درون‌گذاری قرار می‌گیرند و افرادی که سلاح ندارند تا در مقابل مهاجم و ضارب مسلح مقاومت نمایند بیرون از دایره امنیت قرار می‌گیرند؛ به بیان دیگر، دولت می‌تواند مشخص نماید که چه کسانی در یک جامعه باید امنیت داشته باشند (درون‌گذاری) و چه کسانی نباید امنیت داشته باشند (برون‌گذاری).

۴-۷) تأثیر معرفت‌شناسی بر تعریف هفتم از مفهوم «امنیت» و کنش امنیتی مرتبط: احساس متفاوت مردم ایران در مورد ورود جنگنده‌های کشور عراق به آسمان ایران در شرایط زمانی فعلی و ۴۰ سال قبل (در حالت اول احساس عدم تهدید و در حالت دوم احساس تهدید)

امنیت (بر) ساخته‌ای اجتماعی است. زمانی که سیاست‌مداران، تصمیم‌گیرندگان و دست‌اندرکاران امنیتی این تعریف را می‌پذیرند و مبنا قرار می‌دهند، کنش‌ها و کردارهای امنیتی خود را مطابق باور و اعتقاد امنیتی (اکثریت) جامعه تنظیم می‌کنند؛ یعنی نگاه تصمیم‌گیرندگان و دست‌اندرکاران امنیتی به امنیت از باور و اعتقاد (اکثریت) جامعه نسبت به امنیت (و تهدید) نشئت می‌گیرد. البته باور نهایی جامعه حاصل برهم‌کنش و تعامل دولت و جامعه است؛ بنابراین، معرفت‌شناسی انتقادی در مطالعات امنیتی (از نوع

1. gun-free zone

تفسیرگرا در روابط بین‌الملل)، موجب می‌گردد که امنیت به‌عنوان «(بر) ساخته‌ای اجتماعی» تعریف گردد. در نتیجه، به‌منظور ایجاد و حفظ امنیت از روش‌های متغیر و چندگانه (بسته به برهم‌کنش و تعامل دولت و جامعه) استفاده می‌شود. ممکن است اکثریت یک جامعه به این گزاره باور داشته باشند که به‌منظور مقابله با یک تهدید باید متوسل به جنگ شد و تصمیم‌گیرندگان امنیتی متأثر از این باور اکثریت جامعه و با در نظر گرفتن مقدورات و محذورات دولت دست به مقابله نظامی با آن تهدید بزنند. در مجموع، تأثیر بعد معرفت‌شناختی بر بعد عمل‌شناختی در این تعریف، مستقیم و خطی است. بدین‌سان، بیناذهنی‌گرایی مستتر در معرفت‌شناسی انتقادی در مطالعات امنیتی (از نوع تفسیرگرا در روابط بین‌الملل)، موجب می‌گردد که امنیت، تهدید و روش ایجاد و حفظ امنیت (بعد عمل‌شناختی) همه به‌صورت بیناذهنی (مورد پذیرش اکثریت جامعه) تعریف گردند.

جدول شماره یازده: تحلیل تأثیر بعد معرفت‌شناختی تعریف هفتم امنیت بر بعد عمل‌شناختی

رویکرد معرفت‌شناختی	انتقادی (در معنای رایج در مطالعات امنیتی - از نوع تفسیرگرا در روابط بین‌الملل)
تأثیر بعد معرفت‌شناسی بر تعریف امنیت	ارائه تعریفی بیناذهنی از امنیت (مطابق باور و اعتقاد (اکثریت) جامعه)
تعریف امنیت (امنیت چیست؟)	امنیت (بر) ساخته‌ای اجتماعی است (بسته به برهم‌کنش و تعامل دولت و جامعه)
عامل تهدیدکننده امنیت	تهدید نیز بیناذهنی است (مطابق باور و اعتقاد (اکثریت) جامعه)
پیامد	(اکثریت) مردم در یک دوره زمانی و مکانی خاص، موضوع یا پدیده یا کشوری را به‌عنوان تهدید (امنیت‌زا) تعریف و ساخته‌وپرداخته می‌نمایند / آزادی عمل دولت‌ها در تابوشکنی و تغییرات کوتاه‌مدت محدود می‌شود.
مصادق/نمونه	احساس متفاوت مردم ایران در مورد ورود جنگنده‌های کشور عراق به آسمان ایران در شرایط زمانی فعلی و ۴۰ سال قبل
روش ایجاد و حفظ امنیت	به‌صورت بیناذهنی (مورد پذیرش (اکثریت) جامعه)
چه کنش و کرداری برای حفظ و ایجاد امنیت لازم است؟	روش‌های متغیر و چندگانه (بسته به برهم‌کنش و تعامل دولت و جامعه). ممکن است اکثریت یک جامعه به این گزاره باور داشته باشند که به‌منظور مقابله با یک تهدید باید متوسل به جنگ شد و تصمیم‌گیرندگان امنیتی متأثر از این باور اکثریت جامعه و با در نظر گرفتن مقدورات و محذورات دولت دست به مقابله نظامی با آن تهدید بزنند.
تأثیر بعد معرفت‌شناختی بر بعد عمل‌شناختی	مستقیم و خطی (امنیت (بر) ساخته‌ای اجتماعی است و به‌منظور ایجاد و حفظ امنیت باید از روش‌های مورد پذیرش (اکثریت) جامعه استفاده نمود).

(نگارندگان)

نمونه‌ای که بتوان به‌عنوان کنش مرتبط با این تعریف ذکر نمود، احساس متفاوت مردم ایران در مورد ورود جنگنده‌های کشور عراق به آسمان ایران در شرایط زمانی فعلی و ۴۰ سال قبل است که نشان می‌دهد اگر (اکثریت) مردم در یک دوره زمانی و مکانی خاص، موضوع یا پدیده یا کشوری را به‌عنوان تهدید (امنیت‌زا) تعریف و ساخته‌وپرداخته نمایند، پس تمامی ابزارهای مادی و عینی آن کشور را نیز تهدیدزا (امنیت‌زا) می‌بینند و بالعکس. اکنون که (اکثریت) مردم ایران، کشور عراق را به‌عنوان یک دوست ساخته‌وپرداخته نموده‌اند، هراسی از ورود جنگنده‌های عراق به آسمان ایران ندارند و ۴۰ سال قبل که (اکثریت) مردم ایران، کشور عراق را به‌عنوان یک دشمن ساخته‌وپرداخته نموده بودند، از ورود جنگنده‌های عراق به آسمان ایران به هراس می‌افتادند.

با توجه به اهمیت این تعریف از امنیت، به‌منظور فهم موضوع به ذکر دو مثال بسنده می‌گردد. فرض کنیم امروز در شبکه‌های خبری و شبکه‌های مجازی در ایالات‌متحده این خبر اعلام می‌گردد که هشت فروند جنگنده به خاک ایالات‌متحده نزدیک می‌شوند. بلافاصله نوعی بیم و هراس در میان مردم آمریکا شکل می‌گیرد. لحظاتی بعد شبکه‌های خبری این پیام را مخابره می‌نمایند که این هشت فروند جنگنده متعلق به کشور دوست؛ یعنی کانادا هستند که به‌اشتباه وارد خاک ایالات‌متحده شده‌اند. فوراً هراس ایجاد شده به آرامش تبدیل می‌شود، زیرا مردم ایالات‌متحده کانادا را به‌عنوان یک کشور دوست در ذهن خود ساخته‌وپرداخته نموده‌اند. پس به‌صورت ذهنی جنگنده‌های کشور کانادا را نیز به‌عنوان یک موضوع غیرتهدیدآمیز ساخته‌وپرداخته می‌نمایند. ساعاتی بعد خبر دیگری مخابره می‌گردد. هشت فروند جنگنده کره شمالی به خاک ایالات‌متحده نزدیک می‌شوند. بلافاصله مردم ایالات‌متحده هراسان و بیمناک می‌شوند، زیرا مردم ایالات‌متحده کره شمالی را به‌عنوان یک کشور متخاصم و دشمن در ذهن خود ساخته‌وپرداخته نموده‌اند. پس به‌صورت ذهنی جنگنده‌های کره شمالی را نیز به‌عنوان یک موضوع تهدیدآمیز ساخته‌وپرداخته می‌نمایند.

مثال دوم مربوط به مردم ایران است. فرض می‌کنیم امروز (در سال ۱۴۰۱) شبکه‌های خبری و کانال‌های فضای مجازی خبر از ورود هشت فروند جنگنده از سمت غرب به آسمان کشور را می‌دهند. لحظاتی بعد شبکه‌های خبری این پیام را مخابره می‌نمایند که این هشت فروند جنگنده متعلق به کشور دوست، یعنی عراق هستند که به‌اشتباه وارد خاک ایران شده‌اند. فوراً هراس ایجاد شده به آرامش تبدیل می‌شود، زیرا مردم ایران، عراق را به‌عنوان یک کشور دوست در ذهن خود ساخته‌وپرداخته نموده‌اند. پس به‌صورت ذهنی جنگنده‌های کشور عراق را نیز به‌عنوان یک موضوع غیرتهدیدآمیز ساخته‌وپرداخته می‌نمایند.

حال به ۴۰ سال قبل بازمی‌گردیم. فرض می‌کنیم در سال ۱۳۶۱ شمسی و در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران قرار داریم و رادیو و تلویزیون خبر از ورود هشت فروند جنگنده از سمت خاک عراق به آسمان

کشور را می‌دهند. بلافاصله موجی از هراس در میان مردم به راه می‌افتد؛ زیرا مردم ایران، عراق را به‌عنوان یک کشور متخاصم و دشمن در ذهن خود ساخته و پرداخته نموده‌اند. پس به‌صورت ذهنی جنگنده‌های عراق را نیز به‌عنوان یک موضوع تهدیدآمیز ساخته و پرداخته می‌نمایند.

بنابراین تهدید ناشی از یک واقعیت عینی (مثلاً ورود هشت فروند جنگنده به آسمان کشور) نیست؛ بلکه به‌صورت ذهنی برساخته می‌شود. اگر پیش‌تر کشوری که این جنگنده‌ها بدان تعلق دارند در ذهن مردم به‌عنوان یک کشور دوست برساخته شده باشد، پس ورود این جنگنده‌ها نیز تهدیدآمیز تلقی نمی‌گردد و بالعکس.

برساخته اجتماعی^۱ به زبانی بسیار ساده بدین معنا است که اکثریت مردم در یک دوره زمانی و در یک مکان خاص^۲ (زمانمند و مکانمند بودن حقیقت) موضوعی یا پدیده‌ای را در ذهن خود به‌عنوان حقیقت ساخته و پرداخته می‌نمایند و بدان باور و اعتقاد راسخ پیدا می‌کنند. از منظر «کارن ام. فیرک»، (بر) ساختن چیزی، عملی است که در آن یک سوژه یا ابژه توسط اکثریت مردم ایجاد می‌شود که در غیر این صورت وجود نداشت^۳ (Fierke, 2015, p. 133). البته باید توجه داشت که پذیرش (بر) ساخته اجتماعی بودن حقیقت، ناشی از نسبی‌گرایی^۴ در بعد فلسفی است که در اسلام مردود است.

در مورد امنیت (تهدید) نیز بدین منوال است؛ یعنی (اکثریت) مردم در یک دوره زمانی و در یک مکان خاص موضوعی یا پدیده‌ای را در ذهن خود به‌عنوان امنیت (تهدید) ساخته و پرداخته می‌نمایند و بدان باور و اعتقاد راسخ پیدا می‌کنند.

۴-۸) تأثیر معرفت‌شناسی بر تعریف هشتم از مفهوم «امنیت» و کنش امنیتی مرتبط: امنیت ایالات متحده به‌بهای ایجاد ناامنی در افغانستان و عراق

امنیت عمدتاً درباره قربانیکردن نیز هست. نه‌تنها ممکن است که امنیت موجد ناامنی گردد؛ بلکه برفرض یک انتخاب و قربانیکردن یک بازیگر به نفع بازیگر دیگر شکل می‌گیرد. امنیت نمی‌تواند جهانی و برای همه باشد. امنیت برنده و بازنده دارد. رویه‌های امن‌نمودن برخی، هم‌زمان رویه‌های ناامن کردن دیگران است. برخلاف ادعای سیاست‌مداران و پژوهشگران که امنیت را به‌عنوان یک خیر یا کالای عمومی برای همه در نظر می‌گیرند، امنیت هرگز نامحدود نیست. امنیت در مورد مشروعیت است و در مرکز تعریف امنیت، سیاست قرار دارد. زمانی که سیاست‌مداران، تصمیم‌گیرندگان و دست‌اندرکاران امنیتی این تعریف را می‌پذیرند و مبنا قرار می‌دهند، کنش‌ها و کردارهای امنیتی خود را بر اساس کمیاب‌بودن و محدودبودن امنیت تنظیم می‌کنند و در نتیجه تلاش می‌کنند تا به هر قیمتی، در بازی امنیت برنده باشند (و نه بازنده)؛ یعنی تصمیم‌گیرندگان و دست‌اندرکاران امنیتی حاضر می‌شوند به قیمت قربانی کردن

1. Social Construction

2. Time and Place

3. To construct something is an act which brings into being a subject or object that otherwise would not exist

4. Relativism

امنیت دیگران، امنیت خود را تأمین نمایند؛ بنابراین، معرفت‌شناسی انتقادی در مطالعات امنیتی (از نوع تفسیرگرا در روابط بین‌الملل)، موجب می‌گردد که امنیت به‌عنوان مفهومی که «درباره قربانیکردن است و برنده و بازنده دارد» تعریف گردد. در نتیجه، تصمیم‌گیرندگان و دست‌اندرکاران امنیتی در بازی امنیت در محیط داخلی و خارجی، خود را به‌عنوان طرف مشروع که باید به هر قیمتی برنده باشند و سایر کنشگران را به‌عنوان طرف نامشروع که باید به هر قیمتی بازنده باشند فهم می‌نمایند و حاضر می‌شوند به خاطر امنمودن خود، دیگران را ناامن سازند. بدین‌سان، به‌منظور ایجاد و حفظ امنیت از روش‌های متغیر و چندگانه استفاده می‌شود؛ یعنی از آن‌جا که تصمیم‌گیرندگان و دست‌اندرکاران امنیتی خود را طرف مشروع می‌دانند که باید امنیت داشته باشند، حاضر هستند از طیفی از ابزارها و گزینه‌های در دسترس از جمله استفاده از زور و تهدید به آن، ترور، جنگ اطلاعاتی، عملیات پنهان، تحریم، اعمال فشارهای دیپلماتیک، دیپلماسی، قطع ارتباطات دیپلماتیک و امثالهم استفاده نمایند. در مجموع، تأثیر بُعد معرفت‌شناختی بر بعد عمل‌شناختی در این تعریف، مستقیم و خطی است، بدین معنا که نشئت گرفته از معرفت‌شناسی انتقادی در مطالعات امنیتی (از نوع تفسیرگرا در روابط بین‌الملل)، امنیت مفهومی بیناذهنی تعریف می‌گردد که در آن تصمیم‌گیرندگان و دست‌اندرکاران امنیتی خود را به‌عنوان طرف مشروع که باید به هر قیمتی برنده باشند و سایر کنشگران را به‌عنوان طرف نامشروع که باید به هر قیمتی بازنده باشد فهم می‌نمایند.

جدول شماره دوازده: تحلیل تأثیر بُعد معرفت‌شناختی تعریف هشتم امنیت بر بُعد عمل‌شناختی

رویکرد معرفت‌شناختی	انتقادی (در معنای رایج در مطالعات امنیتی - از نوع تفسیرگرا در روابط بین‌الملل)
تأثیر بُعد معرفت‌شناسی بر تعریف امنیت	ارائه تعریفی بیناذهنی از امنیت (به قیمت ناامن کردن «دیگران»، «ما» باید امنیت داشته باشیم).
تعریف امنیت (امنیت چیست؟)	امنیت درباره قربانیکردن است. امنیت نمی‌تواند جهانی و برای همه باشد. امنیت برنده و بازنده دارد. امنیت هرگز نامحدود نیست. امنیت در مورد مشروعیت است.
عامل تهدید‌کننده امنیت	دیگری یا دیگران
پیامد	تصمیم‌گیرندگان و دست‌اندرکاران امنیتی در بازی امنیت در محیط داخلی و خارجی، خود را به‌عنوان طرف مشروع که باید به هر قیمتی برنده باشند و سایر کنشگران را به‌عنوان طرف نامشروع که باید به هر قیمتی بازنده باشند فهم می‌نمایند.
مصادیق/نمونه	لشکرکشی ایالات‌متحده به دو کشور افغانستان و عراق پس از حملات ۱۱ سپتامبر جهت ایجاد امنیت در ایالات‌متحده به بهای ایجاد ناامنی در افغانستان و عراق

رویکرد معرفت‌شناختی	انتقادی (در معنای رایج در مطالعات امنیتی - از نوع تفسیرگرا در روابط بین‌الملل)
روش ایجاد و حفظ امنیت	روش‌های متغیر و چندگانه (استفاده از تمامی ابزارهای در دسترس برای پیروز شدن)
چه کنش و کرداری برای حفظ و ایجاد امنیت لازم است؟	از آن‌جا که تصمیم‌گیرندگان و دست‌اندرکاران امنیتی خود را طرف مشروع می‌دانند که باید امنیت داشته باشد، حاضر هستند از طیفی از ابزارها و گزینه‌های در دسترس از جمله استفاده از زور و تهدید به آن، ترور، جنگ اطلاعاتی، عملیات پنهان، تحریم، اعمال فشارهای دیپلماتیک، دیپلماسی، قطع ارتباطات دیپلماتیک و امثالهم استفاده نمایند.
تأثیر بعد معرفت‌شناختی بر بعد عمل‌شناختی	مستقیم و خطی (امنیت برنده و بازنده دارد و به‌منظور ایجاد و حفظ امنیت باید آن‌چه که برای برنده‌شدن لازم است را به کار گرفت، ولو آن‌که هزینه‌های گزافی داشته باشد).

(نگارندگان)

نمونه‌ای که بتوان به‌عنوان کنش مرتبط با این تعریف ذکر نمود، لشکرکشی ایالات متحده به دو کشور افغانستان و عراق پس از حملات ۱۱ سپتامبر جهت ایجاد امنیت در ایالات متحده به بهای ایجاد ناامنی در افغانستان و عراق است که نشان می‌دهد برخلاف نگاه رئالیست‌های تدافعی که معتقد هستند «امنیت عمدتاً بیش‌تر از آن‌که یک کالای کمیاب باشد، «فراوان و وافر» است.^۱» (Rose, 1998: 149)، امنیت نمی‌تواند جهانی و برای همه باشد و امنیت، برنده (در این‌جا ایالات متحده) و بازنده (در این‌جا افغانستان و عراق) دارد.

صبح روز سه‌شنبه، ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ (۲۰ شهریور ۱۳۸۰)، چهار فروند هواپیمای مسافربری که از فرودگاه‌های لوگان اینترنشنال، دالاس اینترنشنال و نیوآرک به مقصد کالیفرنیا در پرواز بودند، ربوده شدند. دو فروند از این هواپیماها به برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی^۲ در شهر نیویورک کوبیده شدند، هواپیمای سوم مقر پنتاگون در واشنگتن دی. سی را هدف گرفت و چهارمین هواپیما در پنسیلوانیا سقوط کرد. این رخداد ۲ تریلیون دلار خسارت مالی برای ایالات متحده دربر داشت (Institute for the Analysis of Global Security, n.d).

در این رویداد امنیت ایالات متحده خدشه‌دار شد. ایالات متحده به بهانه دستیابی و حفظ امنیت خود دو جنگ خاتمان‌سوز را علیه افغانستان و عراق به راه انداخت. موسسه واتسن در امور بین‌الملل و عمومی که وابسته به دانشگاه براون ایالات متحده است در گزارش خود تعداد تلفات مردمی جنگ افغانستان از آغاز عملیات آزادی‌پایدار در ۱۳ نوامبر ۲۰۰۱ (۲۲ آبان ۱۳۸۰) تا سپتامبر ۲۰۲۱

1. security is often plentiful rather than scarce

2. World Trade Center's Twin Towers

(زمان خروج ایالات متحده از افغانستان) را ۲۴۳ هزار نفر از مردم افغانستان در مناطق جنگی می‌داند که از این تعداد بیش از ۷۰ هزار نفر غیرنظامی هستند. ضمن آن که تعداد ۶۶۱,۵۶ نفر از مردم پاکستان شامل افراد شبه‌نظامی و غیرنظامیان جان خود را ازدست داده‌اند که از این تعداد در حدود ۲۳ هزار نفر غیرنظامی هستند (Watson Institute for International and Public Affairs, August 2022). مطابق آمار همین موسسه، از زمان آغاز عملیات اشغال عراق در ۲۰ مارس ۲۰۰۳ (۲۹ اسفند ۱۳۸۱) تا مارس ۲۰۲۳، بین ۷۷۱,۲۸۰ تا ۱۹۰,۳۱۵ نفر از مردم غیرنظامی عراق بر اثر خشونت مستقیم ناشی از جنگ^۱ توسط نیروهای آمریکایی و متحدان آن؛ نیروهای ارتش و پلیس عراق و نیروهای مخالف کشته شده‌اند (Watson Institute for International and Public Affairs, March 2023). ملاحظه می‌گردد که به بهای امنیت مردم ایالات متحده، امنیت مردم افغانستان (و بخش‌هایی از پاکستان) و عراق از بین رفت و تقریباً ۴۵۰ هزار نفر از مردم این سه کشور کشته شدند. این در حالی است که از میان ۱۹ عامل حملات ۱۱ سپتامبر، هیچ‌یک تابعیت افغانستان و عراق نداشتند (۱۵ نفر از عربستان، ۲ نفر از امارات متحده عربی، یک نفر از مصر و یک نفر از لبنان).

آزمون فرضیه با بهره‌گیری از روش مقایسه کیفی

در میان تعاریف هشت‌گانه در بخش دوم، به‌غیر از تعریف اول (امنیت یک جست‌وجوی ضروری برای بقاست) و تعریف ششم (امنیت یک فناوری اجتماع است که مرزهای درون و برون‌گذاری را تنظیم می‌کند) که دارای رویکرد معرفت‌شناختی اثبات‌گرایانه (پازیتیویستی) هستند و در زمره جریان اصلی مطالعات امنیتی قرار می‌گیرند، باقی تعاریف ساحت معرفت‌شناختی انتقادی دارند (در معنای عام آن). لازم به ذکر است که اثبات‌گرایان علاقه‌مند به «چرایی»^۲ هستند؛ لکن پسااثبات‌گرایان - علاقه‌مند به «چگونگی»^۳ هستند (Reus-Smit, 2013: 233).

«پل دی. ویلیامز و مت مک‌دانلد» به دو فلسفه رایج امنیتی اشاره می‌نمایند که فلسفه اول ناظر بر جریان اصلی در مطالعات امنیتی با معرفت‌شناسی اثبات‌گرایانه (پازیتیویستی) و فلسفه دوم ناظر بر نظریه‌های امنیتی انتقادی است. این پژوهشگران این دو فلسفه رایج امنیتی را این‌گونه ذکر می‌نمایند: فلسفه نخست، «امنیت» را عملاً مترادف با انباشت قدرت^۴ در نظر می‌گیرد. از این منظر، امنیت به‌عنوان یک کالا^۵ نگریسته می‌شود (برای امن بودن، بازیگران باید چیزهای خاصی نظیر دارایی، پول، سلاح، ارتش و نظایر آن را در اختیار داشته باشند). به‌صورت ویژه، قدرت به‌عنوان مسیر دستیابی به امنیت تصور می‌شود: قدرت بیش‌تری که بازیگران می‌توانند انباشته نمایند (به‌ویژه قدرت نظامی) می‌تواند آنان را امن‌تر نماید.

1. direct war related violence

2. 'why' questions

3. 'how' questions

4. accumulation of power

5. commodity

فلسفه دوم، این باور که امنیت از قدرت سرچشمه می‌گیرد را به چالش می‌کشد. در عوض این فلسفه، امنیت را مبتنی بر رهایی‌بخشی^۱ در نظر می‌گیرد؛ یعنی پرداختن به عدالت و تأمین حقوق بشر. از این منظر، امنیت نه به‌عنوان یک کالا بلکه به‌عنوان رابطه بین بازیگران مختلف نگریسته می‌شود. این رابطه می‌تواند در هر دو مفهوم سلبی^۲ (امنیت درباره نبود هر چیز تهدیدکننده است) و مفهوم ایجابی^۳ (شامل پدیده‌هایی که برخی چیزها را امکان‌پذیر و فعال می‌سازند) درک شود. این تمایز معمولاً در انگاره «آزادی از» و «آزادی برای»^۴ منعکس می‌گردد. در یک برداشت رابطه‌ای، «امنیت» مستلزم کسب درجه‌ای از اطمینان درباره روابط بین ما و دیگری که از به اشتراک گذاشتن نگرانی‌های معین با سایر بازیگران ناشی می‌شود و به‌نوبه خود درجه‌ای از اطمینان‌آفرینی و پیش‌بینی‌پذیری^۵ را میسر می‌سازد است. این دیدگاه این‌گونه استدلال می‌نماید که امنیت یک کالای خاص (نظیر تسلیحات هسته‌ای) که یک عامل حیاتی در فهم معادله امنیت-ناامنی است، نیست بلکه رابطه‌ای بین بازیگران ذی‌نفع است. بدین‌سان، اگرچه تصمیم‌گیرندگان ایالات متحده تصور می‌کنند که دست‌یابی ایران به تسلیحات هسته‌ای می‌تواند منشأ ناامنی قابل‌توجهی باشد، لکن آن‌ها همان احساس را در مورد زرادخانه هسته‌ای پاکستان و هند ندارند (Williams & McDonald, 2018: 6).

پس از ذکر این توضیحات، تأثیر بعد معرفت‌شناختی بر بعد عمل‌شناختی مورد بررسی قرار می‌گیرد. تأکید الگوواره اثبات‌گرایی بر واقعیت عینی و عینی‌گرایی، موجب می‌گردد که در مطالعات امنیتی نیز این عینی‌گرایی متجلی گردد و منشأ امنیت (و تهدید) همین واقعیات عینی باشند. از این‌رو، ناشی از عینی‌گرایی مستتر در الگوواره اثبات‌گرایی، در دوران جنگ سرد که تعریف اول از مفهوم «امنیت» در میان محافل دانشگاهی و دست‌اندرکاران امنیتی غالب و مسلط بود، امنیت به‌واسطه واقعیات عینی نظیر تسلیحات هسته‌ای، موشک‌ها، جنگنده‌ها، ناوهای هواپیمابر، تانک‌های اصلی میدان نبرد (MBT)، نفرات نظامی و مواردی از این‌دست ایجاد می‌گردید یا به چالش کشیده می‌شد. در این تعریف، رابطه‌ای مستقیم و خطی بین بعد معرفت‌شناختی و بعد عمل‌شناختی برقرار است. بدین معنا که به‌واسطه عینی‌گرایی در بعد معرفت‌شناختی، حفظ بقا از طریق به کارگیری نمادها و نمودهای قدرت و توانمندی مادی (نظیر تسلیحات هسته‌ای، موشک‌ها، جنگنده‌ها، جمعیت، اقتصاد و ...) میسر می‌شود.

تعریف دوم از مفهوم «امنیت» (امنیت گونه خاصی از سیاست - نوعی از جنس کلی سیاست - است) با توجه به نسبی‌گرایی مستتر در آن و در نتیجه رویکرد معرفت‌شناختی پسااثبات‌گرایانه، آشکارا در زمره رویکردهای انتقادی در مطالعات امنیتی قرار می‌گیرد. در این تعریف نیز، رابطه‌ای مستقیم و خطی

1. emancipation

2. negative

3. positive

4. the ideas of 'freedom from' and 'freedom to'

5. a degree of reassurance and predictability

بین بعد معرفت‌شناختی و بعد عمل‌شناختی برقرار است. بدین معنا که به واسطه نسبی‌گرایی در بعد معرفت‌شناختی، امنیت به واسطه تفسیر دولت (به عنوان مهم‌ترین نهاد سیاسی) تعریف و تحکیم می‌گردد. در تعریف سوم از مفهوم «امنیت» (امنیت یک مفهوم اشتقاقی یا اقتباسی است) که یکی از گزاره‌های مشترک میان تمامی نظریه‌ها و مکاتب موجود در رویکردهای انتقادی در مطالعات امنیتی است، نسبی‌گرایی موج می‌زند. در این تعریف نیز، رابطه‌ای مستقیم و خطی بین بعد معرفت‌شناختی و بعد عمل‌شناختی برقرار است. در این‌جا نیز معیاری ثابت برای شناخت حقیقت وجود ندارد. این تعریف دارای رویکرد معرفت‌شناسانه انتقادی (در معنای مکتب فرانک‌فورتی آن در روابط بین‌الملل) است. لازم است به دو نکته مهم توجه نمود که: نخست) معرفت‌شناسی انتقادی نظیر معرفت‌شناسی تفسیرگرایی رادیکال استدلال می‌نماید که شناخت و قدرت یکدیگر را ایجاد می‌نمایند (Chernoff, 2007: 176). دوم) رویکرد معرفت‌شناختی انتقادی (در معنای مکتب فرانک‌فورتی آن در روابط بین‌الملل) بر این باور است که شناخت به صورت اجتماعی از طریق رسانه‌ها، نهادها و جامعه (بر) ساخته می‌شود (امری که مورد پذیرش معرفت‌شناسی تفسیرگرایی رادیکال نیز قرار دارد). اگرچه نقاط اشتراکی بین معرفت‌شناسی انتقادی و معرفت‌شناسی تفسیرگرایی وجود دارد، لکن این دو نخله دارای تفاوت‌هایی نیز هستند. توضیحات «مارک هافمن» فهم تفاوت بین معرفت‌شناسی انتقادی با معرفت‌شناسی تفسیرگرایی را ساده‌تر می‌سازد. «مارک هافمن» در مقاله معروف خود با عنوان «بازساختاردهی، بازسازی، ترسیم مجدد و مفصل‌بندی مجدد: چهار صدا در نظریه بین‌المللی انتقادی»^۱ در نشریه «هزاره» به دو رویکرد «شالوده‌انگاری حداقلی» و «ضد شالوده‌انگاری» اشاره می‌نماید. برخلاف تلاش‌های اولیه که طرفدار تمرکز بر موضوعات و/یا کنشگران مختلف بودند، تلاش‌های اخیر که از طریق چهار اثر تحت بازبینی توصیف می‌گردند، چالش‌های بنیادینی برای مفروضه‌ها و دغدغه‌های اصلی نظریه بین‌المللی و آن معرفت‌شناسی که این نظریه‌ها بر آن متکی هستند ایجاد نمودند. این چهار اثر که متعلق به لینکلینتر؛ اونوف؛ دردریان، شاپیرو و دیگران؛ و نهایتاً واکر، مندلویتز و دیگران هستند تحت عناوین «فرااثبات‌گرایی»، «نظریه انتقادی» و «پسامدرنیسم یا پساتجددگرایی» قرار می‌گیرند... این مسیر تفسیری جدید در نظریه بین‌المللی «همگن»^۲ نیست. در درون ادبیات در حال رشد این دیدگاه دو رویکرد گسترده قابل‌شناسایی است: تفسیرگرایی انتقادی و تفسیرگرایی رادیکال^۳. اولی که با عنوان «شالوده‌انگاری حداقلی»^۴ توصیف می‌شود، می‌پذیرد که «جهان‌شمول‌گرایی مشروط»^۵ امکان‌پذیر است و ممکن است هم در زمینه توضیحی و هم در زمینه اخلاقی لازم باشد. در رویکرد دوم، امکان‌پذیری و اشتیاق به «شالوده‌انگاری مشروط یا حداقلی» به نفع «شالوده‌شکنی» متن

1. Restructuring, Reconstruction, Reinscription, Rearticulation: Four Voices in Critical International Theory

2. homogeneous

3. critical interpretivism and radical interpretivism

4. minimal foundationalism

5. contingent universalism

و بینامتن^۱ سیاست‌های جهانی کنار گذاشته می‌شود (Hoffman, 1991: 169-170). بدین دلیل است که نظریه‌پردازان انتقادی به دودسته «مدرن» و «پسامدرن»^۲ تقسیم‌بندی می‌شوند. منظور از نظریه‌پردازان انتقادی پسامدرن، «پسامدرنیست‌ها یا پساتجددگرایان» نظیر «فوکو» و «دریدا» است که به تعبیر «مارک هافمن» موضع «تفسیرگرایی رادیکال» را اتخاذ نمودند. منظور از نظریه‌پردازان انتقادی مدرن، متفکران پیرو «مکتب فرانکفورت» یا همان «نظریه انتقادی» نظیر «هابرماس» است که به تعبیر «مارک هافمن» موضع «تفسیرگرایی انتقادی» را برگزیدند؛ بنابراین می‌توان از سه رویکرد معرفت‌شناسانه «شالوده‌انگاری»، «شالوده‌انگاری حداقلی» و «ضد شالوده‌انگاری» به سه الگوواره اثبات‌گرایی (پازیتیویسم)، انتقادی (مکتب فرانکفورت) و تفسیرگرایی رسید. «شالوده‌انگاری حداقلی» به معرفت‌شناسی نظریه انتقادی اشاره دارد که برگرفته از دیدگاه هابرماس است. اگرچه هابرماس «نظریه تناظری صدق»^۳ نظریه هم‌چون آینه در تناظر با حقیقت است - به‌عنوان بنیان فلسفه علم اثبات‌گرایانه مدرن را رد می‌کند لکن «نظریه صدق مبتنی بر اجماع عقلانی» را مطرح می‌کند تا در دامان «نسبی‌گرایی» نیفتد. مطابق این نظریه چیزی حقیقت است که با اجماع به‌عنوان حقیقت مورد توافق قرار گرفته است. به‌عبارت دیگر، آن‌چه علما فارغ از فشارها و روابط قدرت به‌عنوان معیار حقیقت و عینیت برمی‌گیرند، در هر دوره خاصی تعیین‌کننده می‌شود (مشیرزاده، ۲۱۹: ۱۳۸۸).

تعریف چهارم از مفهوم «امنیت» (امنیت یک کنش‌گفتاری است) دارای معرفت‌شناسی انتقادی (در معنای رایج در مطالعات امنیتی - از نوع تفسیرگر در روابط بین‌الملل) است و به تعبیر «بوزان و هانسن» ساحت معرفت‌شناختی آن «تحلیل کنش‌گفتاری»^۴ است (Buzan & Hansen, 2009: 38). در این تعریف نیز، رابطه‌ای مستقیم و خطی بین بعد معرفت‌شناختی و بعد عمل‌شناختی برقرار است. بدین معنا که به‌واسطه رویکرد معرفت‌شناختی پسااثبات‌گرایانه، در نظریه‌های امنیتی کردن، چه از منظر «مکتب کپنهاگ» و چه از منظر «مکتب پاریس»، این‌که موضوعی واقعاً تهدید است یا خیر مهم نیست؛ بلکه امنیتی کردن یا غیرامنیتی‌کردن این تهدید مهم است. «بوزان، ویور و دو وایلد» خاطرنشان می‌سازند «موضوعات امنیتی از طریق کنش‌های امنیتی کردن به موضوعات امنیتی تبدیل می‌شوند»^۵. امنیت، کیفیتی^۶ است که بازیگران از طریق امنیتی کردن موضوعات، آن را به موضوعات تزریق می‌کنند... (Buzan, Wæver & de Wilde, 1998: 204)؛ بنابراین به‌واسطه رویکرد معرفت‌شناختی پسااثبات‌گرایانه، در «امنیتی کردن»، خود «تهدید» در معنای تهدید، به‌صورت فی‌نفسه، مهم نیست؛ بلکه پرسش «چه موقع

1. deconstruction of texts and intertexts

2. modern and postmodern critical theorists

3. Correspondence theory of truth

4. Speech act analysis

5. Security issues are made security issues by acts of securitization

6. a quality

و تحت چه شرایطی، چه کسی چه موضوعی را امنیتی می‌کند؟»^۱ (Buzan & Wæver, 2003: 71) مهم است.

تعریف پنجم از مفهوم «امنیت» (امنیت چیزی است که ما از آن می‌فهمیم یا اصطلاحاً آن را می‌سازیم) که توسط مکتب ولز (ابریستویث) مطرح شده است نیز دارای معرفت‌شناسی انتقادی (به تعبیر مارک هافمن، تفسیرگرایی انتقادی) است. در این تعریف نیز، رابطه‌ای مستقیم و خطی بین بُعد معرفت‌شناختی و بُعد عمل‌شناختی برقرار است. بدین معنا که به‌واسطه رویکرد معرفت‌شناختی انتقادی، هدف کنش‌ها و کردارهای امنیتی مکتب ولز در مطالعات امنیتی «رهایی‌بخشی»^۲ تعریف شده است. «کن بوث» در رابطه با این مفهوم و ارتباط آن با «امنیت» توضیحات ذیل را ارائه می‌دهد: «رهایی‌بخشی، آزادی افراد (به‌عنوان افراد و گروه‌ها) از آن دسته محدودیت‌های فیزیکی و انسانی^۳ است که آن‌ها را از انجام آزادانه آن‌چه که تصمیم می‌گیرند انجام دهند، باز می‌دارد. جنگ و تهدید جنگ یکی از این محدودیت‌ها است و فقر، آموزش ضعیف، سرکوب سیاسی و نظایر این نمونه‌های دیگری از این محدودیت‌ها هستند. امنیت و رهایی‌بخشی دوروی یک سکه هستند. رهایی‌بخشی، نه قدرت یا نظم که امنیت واقعی را ایجاد می‌نماید» (Booth, 1991: 319).

تعریف ششم از مفهوم «امنیت» (امنیت یک فناوری اجتماع است که مرزهای درون و برون‌گذاری را تنظیم می‌کند) دارای معرفت‌شناسی اثبات‌گرایانه است. در این تعریف نیز، رابطه‌ای مستقیم و خطی بین بُعد معرفت‌شناختی و بُعد عمل‌شناختی برقرار است.

در تعریف هفتم از مفهوم «امنیت» (امنیت (بر) ساخته‌ای اجتماعی است) که ناشی از رویکرد معرفت‌شناختی انتقادی (در معنای رایج در مطالعات امنیتی - از نوع تفسیرگرا در روابط بین‌الملل) است، نسبی‌گرایی موج می‌زند. این تعریف توسط سازه‌انگاران اجتماعی^۴ مطرح شده است. در این تعریف نیز، رابطه‌ای مستقیم و خطی بین بُعد معرفت‌شناختی و بُعد عمل‌شناختی برقرار است. بدین معنا که به‌واسطه نگرش معرفت‌شناختی پسااثبات‌گرایانه (الگوواره تفسیرگرا)، امنیت نه به‌واسطه توانمندی‌های عینی و مادی که به‌واسطه تفسیر مردم تعریف می‌گردد، یعنی (اکثریت) مردم در یک دوره زمانی و در یک مکان خاص موضوعی یا پدیده‌ای را در ذهن خود به‌عنوان امنیت (تهدید) ساخته‌وپرداخته می‌نمایند و بدان باور و اعتقاد راسخ پیدا می‌کنند.

تعریف هشتم از مفهوم «امنیت» (امنیت برنده و بازنده دارد) که توسط «مکتب پاریس یا جامعه‌شناسی سیاسی بین‌الملل» مطرح شده است، دارای رویکرد معرفت‌شناختی پسااثبات‌گرایانه است. «بیگو» عنوان

1. when and under what conditions who securitises what issue

2. Emancipation

3. physical and human constraints

4. Social Constructivist

می‌دارد که «جامعه‌شناسی سیاسی بین‌المللی (IPS)» در یک نظام معرفتی سازهانگاران^۱ بنا گردیده است. (Bigo, 2008: 124). در این تعریف نیز، رابطه‌ای مستقیم و خطی بین بعد معرفت‌شناختی و بعد عمل‌شناختی برقرار است.

به‌واسطه بررسی کیفی هشت تعریف ارائه‌شده از امنیت و جداول شماره شش تا دوازده می‌توان با قاطعیت اعلام نمود که فرضیه اصلی این پژوهش پس از بررسی کیفی تأیید گردیده و از آزمون سربلند بیرون آمده است.

لازم به ذکر است که ارتباط بین نظریه و عمل به‌عنوان یک اصل مشترک در میان تمامی نظریه‌ها و مکاتب موجود در رویکردهای انتقادی و با عنوان پیوند نظریه/عمل^۲ مطرح شده است و منظور از آن این است که کردارها یا رویه‌های امنیتی^۳ متأثر از نظریه‌های امنیتی هستند و بالعکس و نتیجه آن می‌شود که «فهم ناشی از مفهوم‌پردازی مجدد امنیت و استراتژی^۴ می‌تواند به تغییر رویه‌ها در جهان واقعی کمک نماید» (Peoples & Vaughan-Williams, 2010: 21). جدا از این مطلب که این اصل در میان رویکردهای انتقادی در مطالعات امنیت مشترک است، در این پژوهش این نکته به اثبات رسید که این اصل را می‌توان به جریان اصلی در مطالعات امنیتی نیز تعمیم داد.

نتیجه‌گیری

امنیت مانند تمامی مفاهیم دیگر نظیر قدرت، دولت، آنا‌رشی، تروریسم و ... دارای یک تعریف واحد نیست. هر محقق با توجه به رویکرد معرفت‌شناختی خود تعریفی خاص از مفهوم «امنیت» ارائه می‌دهد که با تعاریف پژوهشگران دیگر تفاوت دارد. در این پژوهش، ۸ تعریف مختلف از مفهوم «امنیت» که توسط پژوهشگران مختلف ارائه‌شده است مورد بحث قرار گرفت. پس از آن ۸ کنش و کردار امنیتی مرتبط با این تعاریف هشت‌گانه مطرح و بررسی گردید.

در میان تعاریف مطرح شده، به‌غیر از تعریف اول (امنیت یک جست‌وجوی ضروری برای بقا است) و تعریف ششم (امنیت یک فناوری اجتماع است که مرزهای درون و برون‌گذاری را تنظیم می‌کند) که دارای رویکرد معرفت‌شناختی اثبات‌گرایانه (پازیتیویستی) هستند و در زمره جریان اصلی مطالعات امنیتی قرار می‌گیرند، باقی تعاریف ساحت معرفت‌شناختی انتقادی (در معنای عام آن) دارند و دارای رویکرد انتقادی هستند. یافته‌های پژوهش حاضر که به‌واسطه بررسی کیفی هشت تعریف ارائه‌شده از امنیت و جداول شماره شش تا دوازده به‌دست آمده، نشان می‌دهد که در هشت تعریف ارائه‌شده (فارغ از رویکرد معرفت‌شناختی) رابطه‌ای مستقیم و خطی بین بعد معرفت‌شناختی و بعد عمل‌شناختی برقرار است.

لازم به ذکر است که ارتباط بین نظریه و عمل به‌عنوان یک اصل مشترک در میان تمامی نظریه‌ها/مکاتب

1. a constructivist episteme

2. Theory-Practice Nexus

3. security practices

4. reconceptualized understandings of security and strategy

موجود در رویکردهای انتقادی و با عنوان پیوند نظریه/عمل مطرح شده است و منظور از آن این است که کردارها یا رویه‌های امنیتی متأثر از نظریه‌های امنیتی هستند و بالعکس. جدا از این مطلب که این اصل در میان رویکردهای انتقادی در مطالعات امنیت مشترک است، در این پژوهش این نکته به اثبات رسید که این اصل را می‌توان به جریان اصلی در مطالعات امنیتی نیز تعمیم داد. اگرچه پاره‌ای از پژوهشگران در آثار خود به تأثیر بعد «معرفت‌شناسی» بر «امنیت» اشاره نموده‌اند، لکن در این پژوهش به بحث تأثیر بعد «معرفت‌شناسی» بر بعد «عمل (کردار) شناسی» نظریه‌ها/مکاتب امنیتی پرداخته شده که از اساس با آثار پژوهشگران فوق متفاوت است.

منابع:

- تریف، تری، کرافت، استیوارت، جیمز، لوسی و مورگان، پاتریک (۱۳۸۳). *مطالعات امنیتی نوین*. ترجمه علی‌رضا طیب و وحید بزرگی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حسین‌زاده، محمد (۱۳۸۵). *معرفت‌شناسی: سلسله دروس اندیشه‌های بنیادین اسلامی*. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، مرکز انتشارات.
- مک‌دائل، دایان (۱۳۷۷). *مقدمه‌ای بر نظریات گفتمان (۱)*: پایان دهه ۱۹۶۰. ترجمه حسین‌علی نودری. گفتمان، شماره دوم، ۲۵-۵۸.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*. چاپ چهارم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- ADL (November 5, 2013). ADL Survey of American Public Finds Strong Support for Israel, But Uncertainty Over Approach to Iran. Retrieved from ADL(the world's leading anti-hate organization) Website: <https://www.adl.org/news/press-releases/adl-survey-of-american-public-finds-strong-support-for-israel-but-uncertainty>
- Aljazeera (Jan 10, 2022). Timeline: 20 years of Guantanamo Bay prison. Retrieved 20 March, 2022 from: <https://www.aljazeera.com/news/2022/1/10/timeline-20-years-of-guantanamo-bay-prison>
- Aradau, C. & van Munster, R. (2010). Post-Structuralism, Continental philosophy and the remarking of security studies. In Myriam Dunn Cavelty & Victor Mauer. *The Routledge Handbook of security Studies*. London & New York: Routledge.
- Bialik, K. (June 11, 2018). 5 facts about how the U.S. and its allies see North Korea. Retrieved from Pew Research Center Website: <https://www.pewresearch.org/fact-tank/2018/06/11/5-facts-about-how-the-u-s-and-its-allies-see-north-korea/>
- Bigo, D. (2008). International Political Sociology. In Paul D. Williams. *Security Studies: An Introduction*. London and New York: Routledge.
- Bilgin, P. (2018). Critical Theory. In Paul D. Williams & Matt McDonald. *Security Studies: An Introduction*. Third Edition. London & New York: Routledge.
- Booth, K. (1997). Security and self: reflections of a fallen realist. In Keith Krause and Michael C. Williams. *Critical Security Studies: Concepts and Cases*. London:

UCL Press.

- Booth, K. (1991). Security and emancipation. *Review of International Studies*, 17(4), pp. 313–326.
- Buzan, B. & Hansen, L. (2009). *The Evolution of International Security Studies*. New York: Cambridge University Press.
- Buzan, B. & Wæver, O. (2003). *Regions and Powers: The Structure of International Security*. Cambridge & New York: Cambridge University Press.
- Buzan, B. Wæver, O. & de Wilde, J. (1998). *Security: A New Framework for Analysis*. Boulder, Colo.: Lynne Rienner Publishers.
- Chernoff, F. (2007). *Theory and Metatheory in International Relations: Concepts and Contending Accounts*. New York & Hampshire: Palgrave Macmillan.
- Croft, S. (2008). What Future for Security Studies? In Paul D. Williams. *Security Studies: An Introduction*. London & New York: Routledge.
- DeRose, K. (2005). What Is Epistemology? A Brief Introduction to the Topic. Retrieved December 2, 2022 from <https://campuspress.yale.edu/keithderose/what-is-epistemology/#:~:text=The%20standard%20very%20short%20answer,for%20instance%2C%20college%20course%20catalogues>.
- Dunn Cavelty, M. & Mauer, V. (2010). Introduction. In Myriam Dunn Cavelty & Victor Mauer. *The Routledge Handbook of security Studies*. London & New York: Routledge.
- Earl, J. & Schallhorn, K. (February 19, 2018). Florida school shooting among 10 deadliest in modern US history. Retrieved from The Fox News Channel Website: <https://www.foxnews.com/us/florida-school-shooting-among-10-deadliest-in-modern-us-history>
- Fierke, K. M. (2015). *Critical Approaches to International Security*. Second Edition. Cambridge & Malden: Polity Press.
- Fierke, K. M. (2005). The 'War on Terrorism': A Critical Perspective. *Irish Studies in International Affairs*, Vol. 16, pp. 51–64.
- Floyd, R. (2010). *Security and the Environment: Securitisation Theory and US*

- Environmental Security Policy. New York, NY: Cambridge University Press.
- Goede, M. D. (2010). Financial Security. In J. Peter Burgess. The Routledge Handbook of New Security Studies. London & New York: Routledge.
 - Hoffman, M. (1991). Restructuring, Reconstruction, Reinscription, Rearticulation: Four Voices in Critical International Theory. *Millennium*, 20(2), 169-185.
 - Hughes, J. A. (1990). The Philosophy of Social Research. Second Edition. London: Longman.
 - Institute for the Analysis of Global Security (n.d.). How much did the September 11 terrorist attack cost America? Retrieved from Institute for the Analysis of Global Security (IAGS) Website: <http://www.iags.org/costof911.html>
 - Kolodziej, E. A. (2005). Security and International Relations. Cambridge: Cambridge University Press.
 - Krause, K. (1998). Critical Theory and Security Studies. *Cooperation and Conflict*, 33(3), 298-333.
 - Laughland, O. Luscombe, R. & Yuhas, A. (February 15, 2018). Florida school shooting: at least 17 people dead on 'horrific, horrific day'. Retrieved from The Guardian Website: <https://www.theguardian.com/us-news/2018/feb/14/florida-shooting-school-latest-news-stoneman-douglas>
 - Mack, L. (2010). The Philosophical Underpinnings of Educational Research. *Polyglossia*, 19, 5-11.
 - Malik, S. (2021 b). Framing a discipline. In Peter Hough, Andrew Moran, Bruce Pilbeam & Wendy Stokes. *International Security Studies: Theory and Practice*. Second Edition. London & New York: Routledge.
 - Mazoue, A. (January 30, 2019). French police under fire as Yellow Vest casualties mount. Retrieved 20 March 2022, from: <https://www.france24.com/en/20190130-french-police-yellow-vests-rubber-bullets-grenades-castaner>
 - McDonald, M. (2018). Constructivism. In Paul D. Williams & Matt McDonald. *Security Studies: An Introduction*. Third Edition. London & New York: Routledge.
 - New York Times (January 6, 2021). Today's Rampage at the Capitol, as It Happened.

- Retrieved 20 March 2022, from: <https://www.nytimes.com/live/2021/01/06/us/washington-dc-protests>
- Ozcan, Y. (May 3, 2019). Casualties from Yellow Vest protests rise: Out of 2,000 injured, 5 lost their hands, 23 their eyesight. Retrieved 20 March 2022, from: <https://www.aa.com.tr/en/europe/casualties-from-yellow-vest-protests-rise/1469388>
 - Peoples, C. & Vaughan-Williams, N. (2010). *Critical Security Studies: An Introduction*. London & New York: Routledge.
 - Politico (January 6, 2021). 4 died as Trump supporters invaded Capitol: A woman was shot to death; 3 others died of what were called medical emergencies. Retrieved 20 March 2022, from: <https://www.politico.com/news/2021/01/06/shooting-capitol-pro-trump-riot-455639>
 - Poushter, J. (April 5, 2017). Americans hold very negative views of North Korea amid nuclear tensions. Retrieved from Pew Research Center Website: <https://www.pewresearch.org/fact-tank/2017/04/05/americans-hold-very-negative-views-of-north-korea-amid-nuclear-tensions/>
 - Reus-Smit, C. (2013). Constructivism. In Scott Burchill, Andrew Linklater, Richard Devetak, Jack Donnelly, Matthew Paterson, Christian Reus-Smit & Jacqui True. *Theories of International Relations*. Fifth Edition. Hampshire & New York: Palgrave Macmillan.
 - Rose, G. (1998). Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy. *World Politics*, 51(1), 144-172.
 - Smith, E. (2021). The traditional routes to security: Realism and Liberalism. In Peter Hough, Andrew Moran, Bruce Pilbeam & Wendy Stokes. *International Security Studies: Theory and Practice*. Second Edition. London & New York: Routledge.
 - Smith, S. (1996). Positivism and Beyond. In Steve Smith, Ken Booth & Marysia Zalewski. *International Theory: Positivism and Beyond*. Cambridge: Cambridge University Press.
 - Terry, P. R. (1997). *Habermas and Education: knowledge, communication,*

discourse. *Curriculum Studies*, 5(3), 269-279.

- Trump, D. J. (January 03, 2020). Remarks on the Death of Islamic Revolutionary Guard Corps Major General and Quds Force Commander Qasem Soleimani of Iran in Palm Beach, Florida. Retrieved from The American Presidency Project Website: <https://www.presidency.ucsb.edu/documents/remarks-the-death-islamic-revolutionary-guard-corps-major-general-and-quds-force-commander>
- Trump, D. J. (February 21, 2018). Remarks at a Listening Session on School Safety and Gun Violence. Retrieved from The American Presidency Project Website: <https://www.presidency.ucsb.edu/documents/remarks-listening-session-school-safety-and-gun-violence>
- Wæver, O. (2004). Aberystwyth, Paris, Copenhagen New 'Schools' in Security Theory and their Origins between Core and Periphery. Paper presented at the annual meeting of the International Studies Association, Montreal, March 17-20, 2004.
- Wæver, O. (1997). Figures of International Thought. In Iver B. Neumann & Ole Wæver. *The Future of International Relation*. London & New York: Routledge.
- Wæver, O. (1995). Securitization and Desecuritization. In Ronnie D. Lipschutz. *On Security*. New York: Columbia University Press.
- Walt, S. M. (1991). The Renaissance of Security Studies. *International Studies Quarterly*, 35(2), 211-239.
- Watson Institute for International and Public Affairs (2022). Costs of War: Afghan Civilians. Retrieved from Watson Institute for International and Public Affairs Website: <https://watson.brown.edu/costsofwar/costs/human/civilians/afghan>
- Watson Institute for International and Public Affairs (2023). Costs of War: Iraqi Civilians. Retrieved from Watson Institute for International and Public Affairs Website: <https://watson.brown.edu/costsofwar/costs/human/civilians/iraqi>
- Williams, P. D. & McDonald, M. (2018). An Introduction to Security Studies. In Paul D. Williams & Matt McDonald. *Security Studies: An Introduction*. Third Edition. London & New York: Routledge.

